

کارگران  
و دهکده‌نشینان  
متحد شوید

# ایمانگاه

کارگران  
و دهکده‌نشینان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

بهار ۵۰ ریال

شهریور ۱۳۶۳

دوره جدید سال دوم - شماره ۲۱

## بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
و  
حزب دمکرات کردستان ایران

در صفحه ۳

## سرمه‌خانه

گسترش آتشی جنبش  
در شورو چیست؟

جنبش انقلابی خلق کرد، امروز مرحله حساس و خطیری را طی می‌گذارد، از یک سوی بعد آموزش‌های رژیم مرچند گسترده‌تر شده، مناطق آزاد معدوم‌گشته‌است و از سوی دیگر به‌شمرگان ملحق خلق کرد با آموزش از تجربیات پنج سال گذشته، در ایجاد وسیعی به مقابله گسترده با رژیم در سراسر کردستان پرداخته و ضرورتاً اشکال متفاوتی از جنگ انقلابی را در تمامی عرصه‌ها به نمایش گذاشته‌اند. بدون تردید راه و مسیر پیروزی در جنبش جنگی و با ایجاد گنونی از میان بسیاری تلاش‌ها و پیشروی‌های آگاهانه و قانونمند، در صفحه ۲

## پنجمین سال جنگ و شعار صلح دمکراتیک

چهار سال از جنگ ارتجاعی دولتمردان ایران و عراق گذشت و این جنگ ویرانگر و اردن‌نشین‌سال‌خود شد، جنگی که در طول چهار سال گذشته بیشترین خسارات مالی و جانی را به زحمتکشان هردو کشور وارد آورده و جنبش عظیمی از نیروی انسانی

## و تلخیص ۱۷ شهریور ۵۷ و در سبکی تن

۱۷ شهریور ماه ۵۷ نقطه عطف عظیمی در جنبش توده‌ای سال‌های ۵۷-۵۶ بود که در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام عمومی توده‌ها و حمله به پادگان‌ها و مراکز سرکوب رژیم پهلوی، به سرنگونی سلطنت پهلوی منتهی گشت. بدنبال اوچ‌گیری جنبش توده‌ای در سراسر ایران در هفتم شهریور ماه ۵۷ رژیم در صفحه ۷

طی یک توطئه دردناک

## رفیق بهزاد شهبازی

بشهادت رسید

در صفحه ۱۶

## حق‌گروه پیروزی است

\* \* \*

نگاهی

به عملیات یک ماهه به‌شمرگان

در صفحه ۱۷



## سال تحصیلی جدید

و وظائف دانش‌آموزان انقلابی!

- آموزان سراسر ایران در شرایطی پای به کلاسهای درس می‌گذارند که بسیاری از همکلاسان آنها در زندانهای رژیم در صفحه ۲

و یکبار دیگر جوانان و نوجوانان سراسر ایران به سوی کلاسهای درس روانه می‌شوند، اما امسال نیز چون چند سال گذشته، دانش

با پایان گرفتن تابستان و آخوین روزهای شهریور ماه و قرار دادن بائیز بازم سال تحصیلی جدیدی در سراسر ایران شروع می‌شود

همه‌موو دیلله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هدیه

## گفتار فی‌الکلی جنبش

ارمیت

و کاملاً مشخص و منتج از ارزشیابی دقیق وضعیت کنونی جنبش و پایش از مولی بدان می‌گذرد و آن چه که امروز از اهمیت اساسی برخوردار است، در حقیقت درک مرحله کنونی مبارزه خلق کرد و هدایت هدفمند را گام‌هاست. آن واجتباب از در غلظیدن به روندها، بخودی حوادث است. امروز دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند تردیدی در غایت رشد یا بنده جنبش خلق کرد داشته و حرکتی بالقوه درونی این جنبش را که در تمامی عرصه‌ها خود را نشان داده تمام به ظهور رسانده است. نادیده انگارده جنبش انقلابی خلق کرد گامی بزرگی به پیش برداشته است و مفت مشخصه اصلی آن در تمامی طول پنج سال گذشته بدون شک برخوردار از یک پایگاه قدرتمند توده‌ای از انگارده توده‌ها و حرکتی بوده است که باره‌ای مبارزه کنونی را بردوش کشیده و در مقابل تمامی تضعیفات و فشارهای رژیم یک گام عقب‌نشسته‌اند. توده‌های زحمتکش خلق کرد در طول پنج سال گذشته ثابت نموده‌اند که با چه ایمان خلل ناپذیری از آرمان‌های حقیقیانه و حیاتی خود دفاع می‌کنند و آماده‌اند در راه تحقق بخشیدن به آرمان خود تا چه حد استقامت و پایداری و وفاداری بپذیری نشان دهند.

اما آنچه که امروز بیش از همیشه بعنوان یک نقطه ضعف اساسی در این جنبش خود را آشکار می‌سازد، بویژه در شرایطی که هدایت آن‌ها نه و هدفمند جنبش در تمامی زمینه‌ها به دست ضرورت مبرم تبدیل شده است، فقدان سازماندهی مبارزه و قبل از همه در سطح جنبش توده‌ای و ایجاد ارگان‌های توده‌ای برای هدایت مبارزه و مقاومت انسان که بطور خود بخودی بلکه در مقیاس وسیع و گسترده علیه رژیم جمهوری اسلامی است. بدون

تردید هرگونه دستاوردی در این زمینه بیانش چیزی جز گذار از سر خود بخودی حوادث به یک سازماندهی هدفمند و هماهنگ در میان توده‌ها و بسیج همه جانبه انرژی و پتانسیل آنها نخواهد بود.

این ضعف اساسی جنبش بویژه زمانی خود را آشکار می‌سازد که ساله هدایت و مقاومت توده‌ای در مقابل دشمنی جهت مقابله با ساطیل مشخصی که توده‌های زحمتکش خلق کرد با آن مواجه هستند در مواردی همچون مقابله با سیاست تسلیم اجباری، سرکشی، اجباری و اخیراً تخلیه و تخریب روستاها و کوچ اجباری ساکنان آنها مطرح می‌گردد و عدم وجود آگاهی برای بسیج سراسری توده‌ها برای مقابله با سیاست ها و رژیم در این گونه موارد و سپرده شدن سگان اقدامات ضروری به دست خود توده‌های بدون شکل و سازماندهی مشخص، تخلیات با رزویان مریخ وجود چنین وضعی بوده و هست.

این امر نشان می‌دهد که جنبش انقلابی خلق کرد علیرغم آنکه خود به جنبش توده‌ای، تلاش سازمانگرا نه برای ارتقاء آن ننموده است و حداقل تلاش همه جانبه‌ای را برای ایجاد یک قدرت توده‌ای همه گیر کرده در شرایط مختلف و به انحسار گوناگون نتواند قدرت بالقوه جنبش توده‌ای را به منصه ظهور رسانده، تا من بقای قدرت مند جنبش نه تنها در مقاطع حساس بلکه در چشم اندازهای آتی آن باشد به پیش برده است.

عدم توجه به جنبش مرجعیتی در جنبش انقلابی خلق کرد، تاثيرات خود را در بسیاری از زمینه‌ها از جمله در امر هدایت متحرک و هماهنگ جنگ انقلابی نیز به جای گذاشته است. چرا که بدون توجه به اهمیت سازماندهی همه جانبه امکانات بالقوه خود را بی جنبش کنونی، سازماندهی نظامی همه جانبه آن نیز در هر شکل ممکن امکان پذیر نیست و هرگونه حرکتی در زمینه ایجاد اتحاد عمل‌های پایداری و اتحاد سیاست‌های مشترک در زمینه هدایت مبارزه کنونی، بدون تردید

حقیقت خود را از اشتراک در برخورد به مسائل جنبش توده‌ای و احداث رادیکال و انقلابی آن می‌گیرد. خلاصه این که نقطه ضعف جنبش کنونی، عدم سازماندهی همه جانبه نقطه قوت خویش است. اعتراف به واقعیت وجودی این نقطه ضعف جنبش کنونی ممکن است امروز برای بسیاری از نیروهای سیاسی دشوار باشد و غیر قابل قبول به

نظر آید ولی واقعیت عملی جنبش کنونی حاکی از درستی آن است. ما منکر حرکت مشخص این یا آن نیرو در محدوده عملی و برنامه خاص خود نیستیم و تبلیات پیرامون این ساله و این که هر کدام از نیروهای موجود با چه نقاط ضعف و قوت معینی در مواجهه با مسائل مختلف و اساسی جنبش کنونی بوده و هستند بحث کرده‌ایم، ساله اساسی این است که هرگونه سازماندهی مشخص امری با برنامه است، برنامه‌ای (عملی و نه تفادهائی) که بتواند کلیه نیروهای سیاسی را در راستای ترین و جوهرا اهداف جنبش کنونی به هم نزدیک ساخت و از نقاط اشتراک معینی در این زمینه برخوردار نماید و مبارزه با رادیکال در روند آتی این جنبش باشد.

ما عمیقاً اعتقاد داریم هر گونه حرکتی در جهت ایجاد تغییرات کیفی معینی در مبارزه کنونی و سهم تراشه در زمینه سازماندهی هر چه قدرتمند جنبش توده‌ای الزاماً و بدون هیچ قید و شرطی مستلزم برخورد جدی به این ضعف اساسی در شرایط کنونی است.

شاید برای بسیاری این امر مضحک باشد که در شرایطی که حتی هر سربک امر بسیار جزئی که ارتباط کامل با اینک با مافع بلاواسطه توده‌ها دارد، امکان توافق وجود ندارد، چگونه می‌توان در مسائل اساسی مربوط به سازماندهی سراسری و همه جانبه توده‌ها تحت یک برنامه مشترک در مبارزه کنونی به وحدت نظر و عمل رسید؟ سیاست هماهنگی را به پیش برد؟

در صفحه

## بیانیه مشترک

۱. روستای دیگر نیز اخطار رتموده است که هر چه زودتر روستاهای خود را تخلیه نمایند. رژیم عین همین کار را در منطقه پیرانشهر نیز با به آتش کشیدن روستای دوله‌نی و تخلیه روستاهای زویان و خریاپ عملی ساخته است.

ایماندنیات رژیم در تخریب روستاهای فوق نشان می‌دهد که زندگی بخش وسیعی از روستائیان کردستان در معرض تهدید قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی تصور می‌کند با ویران نمودن این روستاها و آواره کردن اهالی زحمتکشی آنها کدبیش از پنج سال است علاوه بر بمباران و کلوله‌بازان در خیانت جمهوری اسلامی با رستگین معاومه اقتصادی رژیم را نیز تحمل کرده‌اند. می‌تواند آنها را به زانو درآورد.

حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بدین وسیله:

(۱) از کلیه مردم کردستان می‌خواهند که در مقابل این سیاست ارتجاعی رژیم به مقاومت برخاسته و هرگونه همکاری و همگامی لازم را با کلیه نیروهای انقلابی در جهت مقابله با تلاش‌های جدید رژیم به عمل آورند.

(۲) از خلقهای سراسر ایران می‌خواهند بسیار تشدید مبارزات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی با سیاست تخلیه و تخریب روستاها مقابله نموده و از مبارزات برحق و عادلانه ملت کرد حمایت نمایند.

(۳) از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی سراسر ایران می‌خواهند که به وظایف انقلابی خود در قبال حمایت فعال از مبارزات انقلابی - دمکراتیک خلق کرد، عمل نموده با افشای جنایات متعدد و بی‌شمار رژیم در کردستان، ماهیت ارتجاعی و فداکاری سیاست‌های آن را افشا نمایند و فریاد اعتراضی خلق کرد را به گوش تمامی خلقهای ایران و جهان برسانند.

(۴) از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان می‌خواهند که با حمایت و پشتیبانی هر چه گسترده‌تر از مبارزات انقلابی مردم کردستان زلدا به این سیاست ممانعت به عمل آورده و فریاد اعتراض خلق قهرمان کرد را به گوش در صحنه ۱۵

خلق قهرمان کرد  
خلقهای سراسر ایران  
سازمانها و احزاب مترقی ایران و جهان

رژیم جمهوری اسلامی کدبیش از پنج سال است جنگ خانمانسوزی را بر خلق کرد تحمیل نموده است و از هیچ جنایتی برای رسیدن به اهداف عسکری فروگذار نکرده است. امروز که بین ملت شما کسی تلاشی برای خود را در مقابل به اراده غلبه ناپذیر طبیعت کرد می‌بینی بررهائی از قید و بند متمدنی و کسب حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عینه مشاهده نموده و هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی برای موفقیت در یک چنین جنگ ضد بشری را بر سرای خود نمی‌بینی و در هر گوشه از کردستان انقلابی مورد ضربات وحشتناک کوبنده و روزافزون پیشرگان قهرمان خلق کرد قرار می‌گیری. دست به تلاش‌های جدیدی برای دستیابی به اهداف خود زده‌است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، همانگونه که قبلاً نیز به اطلاع همگان رسید، دستور تخلیه بیش از ۶۰ روستا را داده و اهالی آنها را تهدید به ویران نمودن خانه‌ها و گاشانه‌شان کرده و سیاست انهدام بخش وسیعی از روستاهای مقاوم کردستان را در پیش گرفته است. اما گذشت مدت بسیار کمی آشکارا ساخت که این سیاست رژیم تنها به ضلوع قبلی (تالان، سوزنایی و گورگ سردشت) محدود نبوده و نخواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی در هر کجا که در تنگنا قرار گیرد چنین سیاستی را در پیش خواهد گرفت، کما اینکه اخیراً در منطقه سرشاخان نقده و منطقه پیرانشهر نیز چنین سیاستی را نه تنها به پیش کشیده است بلکه عملی نیز ساخته است. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه سرشاخان روستاهای گانی‌زرد و احمد قریب را به آتش کشیده و در پیش چشم اهالی روستاها، خانه و گاشانه آنها را با خاک یکسان نموده است و به اهالی

هر چه گسترده‌تر با اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

## سال تحصیلی...

ارمنه ۱

جمهوری اسلامی زیر شکنجه های قرون - وسطائی قرار گرفته، زندانسی و با اعدام گشته اند و با قتل تبلیغات موزرانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و در جبهه های جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق قربانی این جنگ گشته اند. آنها در شرایطی به سوی مدرسه روانه خواهند گشت که در پشت سر خود بحران روز - افزون اقتصادی و گرسنگی و فقر و بدبختی و بیگاری ناشی از آن در سراسر ایران بر شانه های خانواده های آنان سنگینی می کند و حکومت زور و سرکشی و بی حقی عمومی هنوز هم با تمام می ابعاد، خود را بر تمام میستی زحمتکشان ایران تحمیل نموده است.

مدارس ایران اسال در شرایطی بازگشوده می شوند که حکومت جمهوری اسلامی حقوق اولیه اجتماعی را نه تنها از خوده های زجر دیده، سراسر ایران، بلکه از فرزندان آنها نیز در تمام زمینه ها سلب نموده است و هرگونه آموزش و اندیشه مترقی و علمی را از سطوح کتابهای درسی آنها حذف نموده، یک مشت خرافه های ضد علمی و ارتجاعی را جایگزین هرگونه آموزشی نموده است.

مدارس ایران اسال در شرایطی بازگشوده می شوند که همچون چند سال گذشته مبرر اختناق و تفتیش بر سر در کلاس های درسی حکم گردیده است و چاق سرکوب برای تسخیر ذهن خلق فرزندان زحمتکشان و مجبور نمودن آنها به تمکین به وضعیت موجود، بر تمام می مدارس ایران بیش از همیشه سبب افکنده است. آری در چنین شرایط خطیری است که دانش آموزان سراسر ایران یک بار دیگر پای به کلاس های درسی می گذارند تا چراغ دانش و آگاهی را با کندوکسا و سیج و حمر خود، از میان تعالیه های آکنده از خرافه و

با طبل جمهوری اسلامی - بیرون کشیده، بر افروخته تر از همیشه نگاه دارند و آنرا به سلاحی برای مبارزه با رژیم در محبط جمعی مدرسه - که بناگویی رژیم مجبور به گردن نهادن بر موجودیت آن است - مبدل سازند. در کردستان انقلابی نیز همچون سایر نقاط ایران - فرزندان زحمتکشان خلق کرد، یک بار دیگر و برای بنجمین بار در زیر سیطره، توپ و خمپاره و گشتار جمعی و انواع و اقسام فشارها پای به کلاس های درسی می گذارند، تا یکبار دیگر چهره کریمه رژیمی را که هر روز و هر شب در اقصی نقاط کردستان جنایت جدیدی را می آفریند،

روستاها را می سوزاند، مسووم بی دفاع را به رگبار می بندد، فرزندان انقلابی خلق را زندانی و شکنجه و تیرباران می کند و در مقام درسی نفرت انگیز حاکم بر سیستم آموزشی مدارس ویت نمایند و نفرت انگیزترین تبلیغات ضد انقلابی دست اندر - کاران رژیم را در مورد نه تنها خلق کرد بلکه تمامی تاریخ بشری با گوش های خود بشنوند و شدیدترین تفتیش های پلیسی را از سر گذرانده و حقارت وجودی منادیان بی فرهنگی را، مشاهده نموده، هرچه ممکن است - مبارزات خود علیه کلیت نظم حاکم را سازماندهی نمایند. به طور قطع آنچه که از همین امروز و لحظه پا گذاردن بر کلاس های درسی شعله می کشد،

اشتیاق به فراگیری دانش و آموزشی است که رژیم جمهوری اسلامی با تمامی وجود خود سد راه آن است.

به هیچکس پوشیده نیست، دانش آموزان کردستان انقلابی امروز بیش از آن که نیازمند آموزش از مفاد درسی رژیم جمهوری اسلامی باشند، خواهان طرد وجود منحوس آن هستند. آنها در جریان عملی زندگی بر فراز و نشیب خلق خود در غول بیش از پنج سال گذشته درسی های گرانبهای آموخته اند. آنها بیش از آنکه نیازمند آموزش در پشت نیمکت های مدرسه باشند در میدان پرت و تاب مبارزه، به آگاهی ای دست یافته اند که به آنها توان انجام قهرمانانه

- ترین تلاش ها را برای و هاشی از وضعیت فلاکت بار، گنجونی می دهد. آنها بیش از آن که پشت نیمکت مدرسه و در زیر سیطره بوق و گونا های تبلیغاتی رژیم چیزی را بیاموزند در کسور آن مبارزه گنجونی خلق خود و در زیر فریادهای پرغروش مسلسل - های رزمندگان مسلح خلق کرد در اقصی نقاط کردستان انقلابی آموخته اند که بدون رهائی از قید و بند ستم ملی و کسب حقی تعیین بر نوشت ملت کرد، امکان آموزش علمی نیز برای آنها وجود ندارد و در مدارس که گذار به مدارج بالاتر و داشتن نمرات قبولی تنها و تنها در گرو جاموسی به نفع رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی است، بسودن شردید آموزشی که به درد آنها بخورد وجود نخواهد داشت. هم از این روست که امروز دیگر با زنگشانی مدارس برای آنها مفهومی به جز گشایش عرصه جدیدی برای فعالیت انقلابی در راستای اهداف گنجونی جنبش نمی تواند باشد.

تجربیات شکوهمند جنبش دانش آموزی نه تنها در کردستان انقلابی بلکه در سراسر ایران چه در دوران مبارزه برای سرنگونی رژیم پهلوی و چه در دوران استیلای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی به اثبات رسیده است که این جنبش از چه توان و انرژی قدرتمندی در افشای چهره رژیم های ضد انقلابی برخوردار است و تجربیات حاصله از چنین روندی آن چیزی است که امروز می باید دانش - آموزان انقلابی با توجه به آنها حرکت آتی خود را درجهت مبارزه علیه سیاست های رژیم در مدارس خود سازماندهی نمایند. به ویژه این وظیفه اساسی آن دسته از آموزگاران انقلابی ای است که از زیر تیغ جلادان رژیم جمهوری اسلامی جان سالم به در برده اند و در شرایط گنجونی به امر آموزش فرزندان زحمتکشان حتی در غفلتشان با برترین شرایط مشغول هستند که به هر نحو ممکن دانش آموزان انقلابی را با روحیه ای آکنده از عشق و ایمان به راه های تربیت نموده، دهن آنها را با

گمیننه های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

## سال تحصیلی ...

از صفحه ۳

آموزش انقلابی متوجه مسائل اساسی مبارزه کثرتی ساخته ، در این زمینه از هیچ کوششی با توجه به امکانات عملی خود فروگذار نگنند . ماهیت واقعی تبلیقات رژیم و مواد درسی غیر علمی و خرافه رسی را بر ملا ساخته ، دانش آموزان را با دانش واقعی بنیوت آشنا سازند .

در آگاهی را در میان آنها بیفشانند . و جنبش دانش آموزی را با سلاح واقعی مبارزه بسا جهل و خرافه هر چه بیشتر آشنا سازند . از سوی دیگر جنبش دانش آموزی نیز می باید بسا قدرتی بیشتر از همیشه امسال نیز علیرغم تمامی سرکوب و تفتیش رژیم ، مدارس را به میدان افشای رژیم و مبارزه علیه سیاست های ارتجاعی آن مبدل سازد . و متحد و یکپارچه در مقابل دسایس کارگزاران رژیم

در مدارس ایستادگی نموده ، به ایجاد جو دمکراتیک در مدارس و تحمیل اراده جمعی خود بر مزدوران رنکار رژیم بسازد .

مای خود فروخته ، بپردازد . دانش آموزان انقلابی با ایجاد تشکل های مخفی در مدارس ( هسته های مقاومت مخفی ) و جذب عناصر آگاه و فعال به درون آنها جهت هدایت عمومی حرکت دانش آموزان حول مسائلی که می تواند در هر مدرسه ای مطرح باشد . هر چه فعالانه تر به ایجاد جو دمکراتیک در مدارس بپردازد و بدین وسیله هدایت جنبش دانش آموزی را به دست گرفته و به امری در جهت تبلیغ آرمان های انقلابی جنبش خلق کرد و افشای سیاست های رژیم در گردستان مبدل نمایند . آنها باید این امر را هیچ وقت فراموش نکنند که امسال نیز همچون سال های گذشته می باید مدارس سراسر گردستان به میدان مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ، افشای جنایات آن و عرصه دفاع از مبارزه قهرمانانه خلق کرد گردد . و آنها باید با طرح و پیش شعارهای جنبش به طور کلی و شعارهای مشخصی در

زمینه های فکری همچون حمایت از زندانیان سیاسی و خرابی های آزادی آنها ، افشای شکنجه های قرون وسطایی رژیم ، ضرورت حمایت هر چه گسترده تر از نیروهای مسلح خلق کرد یعنی پیشترگان قهرمان خلق و ... هر چه بیشتر در راستای جنبش مقاومت نموده ای در سراسر گردستان حرکت نموده ، و به عنوان بخشی از جنبش توده ای به وظائف خود عمل کرده و بدین وسیله حرکات خود را با پیشرفت عمومی جنبش هماهنگ نمایند .

جنبش دانش آموزی در گردستان ، امروز بیش از هر زمان دیگری باید با آموزش از تجارب گذشته خود مدارس را که جمهوری اسلامی تسلط می کند به جولانگاه خود تبدیل نماید ، به مرکز مبارزه علیه رژیم و تبلیغ اهداف انقلابی جنبش مبدل نماید و بدین وسیله و با چنین درگی از آغاز سال تحصیلی جدید به استقبال آن بشتایند .

\* \* \*

## در باب یک ریسمان ...

صفحه ۱۲

" مشکوی ... هرگز نه فعالیت را دیگه ای که منجر به طرد و آلتونانی و پروتسستی شود . به کند و زمینه های تبلیغی کمونیست ها را از هم انگیزون فرایم نباید .

ج : لازم است دفاع از اردوی " عدالت و آزادی " از طریق رنگ آمیزی آن با روشن ترین رنگها صورت پذیرد .

حال " ریسمان " های انتقامی مهادین تا به امروز باید به روشنی و وضوح کامل نشان دهد که آنها در کدامین یک از مراحل آزمایشی فوق به می پزند . و امروز تنها می تلاطمند . جانفشانی هایی که تنها کنون صورت گرفته است . آنها را به اینجا رسانده " در جایی سر - سارده بالآخره در جایی سر - سر در جایی آورده اند .

ساده ترین تا پیچیده ترین اشکال آن است . تا قبلا دیدگاههای خود را در این زمینه همراه با طرح پیشنهادی خود

ارائه داده ایم . و از تمامی نیروها می خواهیم با این امر برخورد مسئولانه نموده . و زمینه یک حرکت همسنگ و اصولی در جنبش انقلابی خلق کرد را باز نموده و همکاران را برای تعمیق و گسترش آن از همیار نمایند .

\* - رجوع نموده سلسله مقالات تحت عنوان اکتلاف های موجود اتحادهای آینده در رنگای گسل ۲۰۱۸/۱۷

شماره ۱۵

لوگو

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
را بنویسند

## گسترش آتی جنبش

از صفحه ۲

برای کسانی که مسائل جنبش صرفاً در محدوده واقعیت های حاضر خلاصه میشود . واقعیت های که برای آنها تغییر ناپذیر و با حداقلها رها پذیر هستند ، شاید این امکان وجود نداشته باشد ولی برای آنها که به آینه های این جنبش و گسترش آتی می اندیشند ، روشن است جایی که مدافع اساسی جنبش و آینده پیروزمند آن مطرح است از هیچ کوششی نباید فروگذار کرد و از مبارزه با هیچ انحرافی و طرد هیچ دیدگاه غلطی نباید هراس داشته چرا که بدون تردید می توان گفت رشد و گسترش آتی جنبش تنها و تنها در گرو حل معضلات کثرتی آن در زمینه سازماندهی قدرت نموده ای از

## پنجمین سال جنگ

مصحف ۱

و منابع درآمد ملی جرد و کشور را در کام خود فرو بریده و مدتها هزار کشته و مجروح و معلول و معلومها نفر آواره و بی‌خانمان از خود بر جای گذاشته است. چهار سال پیش زمانی که این جنگ در ایستاد بمباران گسترده و سهمگینی شروع شد و در عرض چند هفته بخش اعظم موسسات اقتصادی طرفین را طعمه حریق ساخت، کمتر تصور می‌شد که این جنگ تا این اندازه ادامه یافته و بدین وسیله و در شرایطی نظیر شرایط امروز طرفین، به حالت رکود درآید. ایستاد جنایت‌بار چهار سال گذشته جنگ و ادامه یافتن بلا تکلیف آن در شرایط کنونی و رشد روز افزون احساسات ضد جنگ در میان توده‌ها به ویژه در دو سال اخیر وحله بی‌حاصل رژیم به خاک عراق و سازماندهی حملات پرسرو صدا و بی‌نتیجه و تحمیل تلفات انسانی فوق‌العاده زیاد، امروز امر طرح شعار صلح را از سوی نیروهای سیاسی به یک مسأله جدی تبدیل نموده است. که هر کدام از آنها در طرح این شعار اهداف مرحله‌ای خود را نیز دنبال نموده و آنرا گامی در جهت تحقق اهداف جنبش انقلابی در این مرحله محسوب می‌دارند.

آنچه گاه‌به‌گاه فردای شده و در شدن ناشره جنگ کنونی مشخص بوده و هست بهره‌گیری رژیم از این جنگ در چهار سال گذشته، در جهت حل معاشل و مشکلات عدیده خود در مقابل دنیا و سمیت بحرانی درون جامعه و بسیج نیرو برای سرکوب جنبش توده‌ای و زمینه‌سازی برای چنین سرکوبی بوده است، روشن است که رژیم جمهوری اسلامی تا زمانی که نتواند بر بسیاری از این مشکلات غلبه نموده و زمینه‌های ایجادنده نوبت جنگ کنونی را کاملاً تسکیم نماید، تا به صلح

نخواهد داد و خمچان بر مساله اصلی بودن جنگ کنونی تاکید خواهد کرد. از همین رو نیز سازماندهی احساسات ضد جنگ توده‌های زحمتکشی که با راه‌های جنگ برخاسته‌های آنها سنگینی می‌کند و دادن ست و سوی چنین به‌خواست آنها بشی برپایان دادن به جنگ کنونی باید موضوع اساسی تمامی تلافی‌های سازمان‌گرفته نیروهای انقلابی را تشکیل دهد. آنچه که مسلم است از گذشته چهار سال به خوبی آنرا افکار ساختارست بر پشت جنگ رژیم برای پیش از آن که در برزخ تعیین گردد، در داخل مرزهای مبارزه طبقاتی درون جامعه نفوذ کرده و در کلیت جنبه پیش از آن که بی‌انگیز شایلات توسعه طلبانه رژیم باشد، سرپوشی بر این مشکلات عدیده، رژیم در مقابل با تفعیل و شکوفایی این مبارزه بوده و در حرکت سرکوب آن قرار داشته و دارد. و به همین لحاظ نیز امروز تاکید صرف بر پی‌گیری شرط بر شعار "صلح به طور کلی به عنوان یک راه حل سال جنگ در شرایطی که توده‌های زحمتکشی سرانجام ایران دوران انقلابی پر تحرک‌تری را پشت سر می‌گذارند و جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سرنگونی سلواست رژیم وابسته عنوان عامل اصلی نه تنها جنگ، بلکه تمامی مشکلات اجتماعی امروز خود، در پیش‌روی دارند نه تنها یک شعار کاملاً انحرافی و عقب مانده و غالی از هرگونه مضمون انقلابی است بلکه راه‌کنای هیچگونه چشم‌انداز روشی برای توده‌های انقلابی نیست. و بی‌انگیز بی‌موقعی غیرخواهانه در مقابل جنگ کنونی است. در صورتی که طبقه کارگر و به طریق اولی مایسر زحمتکشان سرانجام ایران در مقابل این جنگ بی‌موقع نیستند. موضع آنها نه دفاع طلی بورژوازمندانه، نه حمایت از جنگ کنونی، نه بی‌طرفی در مقابل جنگ کنونی، که مشخصاً به اهداف ارتجاعی بورژوازی در کلیت آن خلاصت می‌کند، بلکه دقیقاً برپایان قطعی دادن به چنین جنگ خانمان براندازی از طریق تبدیل آن به خوددود یعنی به جنگ داخلی و جنگ علیه بورژوازی

خودی و بدین وسیله سرنگونی آن و رسیدن به یک صلح از طریق اعمال اراده دموکراتیک توده‌ها است. طبیعتاً است که چنین صلحی تنها با سازماندهی اراده قدرتمند توده‌ها حول شعار معین و متیابی به صلح دموکراتیک از طریق تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی تحقق پذیر هست. صلح خواست عمومی توده‌ها است و بدون توده زمین‌ای برای سازماندهی مبارزات توده‌ها نه تنها در مدت و دهان اعتقادات و درک ابتدائی آنها، بلکه در ارتقاء یافته‌ترین شکل آن، در شرایط متحول کنونی است و گمانی که با طرح شعارهایی از قبیل زنده باد صلح و غیره به اصطلاح سازماندهی توده‌ها حول شعار سرنگونی غیر مستقیم رژیم را تحت این عنوان بشی می‌کنند، یا به اهمیت سازماندهی توده‌ها حول شعارهای تفرقی در یک دوران انقلابی نمی‌اندیشند، یا دچار محیب‌ترین و عقب مانده ترین نوع اکونومیسم در امر برخورد به هدایت سازمان‌گرفته توده‌ها هستند. ما چنین شعارهایی بیش از آن که بتوان توده‌ها و صلح مبارزاتی آنها را ارتقاء داده و انرژی انقلابی آنها را برای تغییرات و تحولات اساسی متناظر بزرگ دوران انقلابی سازماندهی کرد، تنها می‌توان آنها را به عقب گرد واداشت. و سلطین چنین شعارها شکی در بهترین حالت اشتیاق عجیبی برای کنترل دادن حد فعالیت خود به صلح نه پیش‌روترین بخش توده‌ها، بلکه تضایلات عقب مانده ترین بخش آنها از خود نشان می‌دهند.

مسأله اساسی امروز این است که چگونه باید این خواست عمیق توده‌ها به پایان دادن جنگ را، به اهرمی برای تحقق اهداف انقلابی آنها تبدیل ساخت آیا باید آنها را با روحیه انقلابی و با شعارهای انقلابی برای نبردهای آینده مجتمع شود یا با شعارهای اکونومیستی و کاملاً شاهی از مضمون طبقاتی پیشرو، آنها را در همان گام‌های اول به درجا زدن واداشت و روحه حرکت از غیر مستقیم به مستقیم یا به عبارتی دیگر حرکت در مسأله ۱

تنها راه رسیدن به صلح نه دموکراتیک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

# ۱۷ شهریور ۵۷

از صفحه ۱

پهلوی در هراس از گسترش دامنه مبارزات توده ها و اوچر و آفزون جنبش عمومی، تجمع و تظاهرات را به آرام توده ها در شهر تهران را به خون کشید و ارتش را در تمام نقاط شهر به میدان مقابل گونین با مردم کشانید و هزاران نفر را طی فقط یک روز به شهامت رسانده، عیان های تهران را به حمام خون تبدیل ساخت. یورش خونین ارتش به صفوف مردم و به گلوله بستن آنها اگرچه قربانیان بسیاری نتوانست رویش را در مقابل بنا آراسته تاریخی توده ها کمترین ککمی نماید سرکوب و خبیانانه و ددمنشانه ۱۷ شهریور ماه نه تنها نتوانست توده ها را به سکوت در مقابل گلوله و سرنیزه وادارد، بلکه دامنه جنبش توده های را گسترده تر نیز ساخت و بر شعله های خشم توفان توده ها افزود و برای واقمیت مسلم حقه گذاشت که دیگر رژیم پهلوی قادر نخواهد بود، به شوره گذشت حکومت کند. و با برگلوله ای که در ۱۷ شهریور بر مینه های مردم تلک کرده، حکم مرگ خود را امضا نموده است. بیش از نیم قرن حکومت سیاه پهلوی، دیکتاتور و نجام گسیخته، ترور، زندان، شکنجه فقر و استیصال توده ها، غارت دسترنج کارگران و زمین کشاورزی حق عمومی، چپاول منابع درآمد ملی توسط امپریالیست و فقر و آفرزون و فلاکت عمومی توده ها، نابامانی اجتماعي مدتها قبل از ۱۷ شهریور ماه ۵۷ انفجارات بنیان کنی را که پایه های اقتدار سیاه پهلوی رژیم و حامیان او را به لرزه در آورده، نظام اجتماعي اقتصادی موجد دیکتاتور و عیان گسیخته را مختل ساخته بود. بحران اقتصادی، اجتماعي و سیاسی تمامی ارگان جامعه را در نور دیده بود و ۱۷ شهریور کبریت اشتعال چنین بهرانی بود که شعله های آن تمامی ارگان قدرت نظامی - بوروکراتیک

حاکم را درهم پیچید و آماج یورش آتی خود ساخت و دیگر هیچ سرکوب و تندیس را به آرای مقابل با طوفان برخاسته از جریان واقعی زندگی توده های میلیونی نبود. ۱۷ شهریور به تنهایی بیانگر این حکم تاریخی رشد مبارزه طبقاتی در تابستان سال ۵۷ در ایران بود. تظاهرات خونین تهران و برقراری حکومت نظامی در بسیاری از شهرهای ایران نشانگر تحلیات واقعی تغییر شرایط بود که حرکات و اعتراضات توده های پرپرتر آن شکل گرفته و به بلوغ خود رسیده بود و در حقیقت نمودار سیر واقمیت تکوین یک موقعیت انقلابی در جامعه بود. بدنبال وقایع ۱۷ شهریور جنبش توده های با اوچ و هوشمند شایندگی سراسر ایران را فرا گرفت و انقلاب با شتابی تندتر از پیش به پیش تقاتل می نمود. مراحل خطیر و تعیین کننده ای با گذاردن دیگر خود شیر حوادث خط بطلان قطعی کارآیی ماشین سرکوب نظامی رژیم و امکان هرگونه رفرمی در چارچوب وضعیت حاکم کشید، و همه تلاشهای احزاب سازشکاری را که در مسدد بهره برداری از جنبش توده ای و محدود ساختن دامنه عمیق آن بودند با شکست مواجه ساخت، دیگر توده ها آهجوم واقعی و دهشتناک رژیم حاکم و حامی آنها در عمل آزموده بودند دیگر ارتش سرکوب و روز اردخانه آن به هدف واقعی توده ها در سرنگونی رژیم تبدیل گشته بود و همین ارتش نیز در مقابل سینه های سپر کرده توده ها به عرض اندام پرداخته بود. و هرگونه تلاشی در جهت حفظ تمامیت نظام موجود از جمله ارتش فدرمیدی، محکوم به شکست در مقابل اراده توده ها بود و شعار "ارتش برادر ما است" که از سوی اکثر جریان های سیاسی - بورژوازی و خرد و بورژوازی در میان توده ها تبلیغ می گشت در عمل شعاری خالی از مضمون و مفهوم واقعی بود و این اعتقاد عمیق را توده های و حمتکش در قیام بهمن ماه به عمل تبدیل نموده و با حملات خونین به پادگانها و مراکز ارتش و مبارزه رودر رو و مسلحانه با یگانهای ارتش و پلیس

در سراسر ایران و خلق سلاح پادگانها به اثبات آنچه که در ۱۷ شهریور با گوشت و پوست خود آنها لمس نموده بودند پرداختند. نخستین آموزش جهیم ۱۷ شهریور ۵۷، بی اعتدای مطلق توده ها به ماشین سرکوب عریض و طویل حاکم بود و آزمون قطعی آن در مقابل اراده توده ها و در جهت حفظ تمامیت نظام حاکم و نابامانی های اجتماعي اقتصادی ناشی از آن بود. در این روز توده ها یکبار دیگر با تمام وجود خود این درس تاریخی بزرگ را آموختند و در عمل هر گونه گشتی برای تطهیر جنبش موجود منفوری را به اثبات رسانیدند. درس بزرگی که هنوز هم توده ها آموخته اند و آموزش کرده اند و نه خواهند کرد. و هر نیروی که بخواهد این آموزش عملی و خونین توده ها را نادیده انگارد از همین امروز محکوم و مطرود توده ها است. دومین آموزش ۱۷ شهریور ۵۷ و حوادث متعاقب آن، بیانگر این امر اساسی بود که هیچ گونه سرکوب گسترده و وسیعی نخواهد توانست توده ها را از حرکت تاریخی برای تحقق آرمانهای بحق خود، باز داشته و آینه شده سرکوبگران آنها را تضمین نماید. ۱۷ شهریور محدودیت ارتش به گشتا و سرنیزه و موقتی بودن آنها برای همیشه به اثبات رسانید. همانطور که گشتا ۱۷ شهریور نتوانست نتوانست جنبش توده های را از حرکت باز داشته موقعتی برای رژیم پهلوی به آرا و آورده بلکه توده ها را در پی گیری اهداف انقلابی خود هر چه مصمم تر ساخت و وضعیت نابامان رژیم را هر چه آشفته تر نمود، تفادهای درونی هیات حاکمه را تشدید کرد و هرگونه قدرت تحرک سیاسی را از کلیت آن سلب نمود. امروز در شرایط ۱۷ شهریور ۵۷ روز دلاوری و استقامت توده و روز شکست قطعی تلاش های رتجائی رژیم وابسته به امپریالیسم جهانی را با تمامی ساز و برگ نظامی آن گرامی میداریم که رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست پای خود را جای ایلاف سرنگون شده خود نهاده است و نه تنها در طول بیش از پنج سال گذشته به خواست های حق طلبانه

## ۱۷ شهریور ۵۷ ...

از صفحه ۷

کارگران و زحمتکشان مرا...  
ایران که حماسه ۱۷ شهریور  
۵۷ جزئی از مبارزات سترگ آنان  
بود موقعی ننهاده است بلکه  
در سرکوب مبارزات آنها بسا  
فرا تر از رژیم گذشته نیز ننهاد  
و هر روز بیشتر از روز پیش بر سر  
ابعد ارتجاعی سیاست های  
سرکوبگرانه خود افزوده است.  
نه تنها دوباره ارتش  
فدومردی را بازسازی نموده است  
بلکه بر شاخوبرگ ماشین نظامی  
- بوروکراتیک سرکوب نموده  
افزوده و انواع واقعا متهاد های  
ارتجاعی تحت عناوین مختلف  
بر زندگی مادی نموده تا نیز  
حاکم گردانیده است و بدین  
وسيله با افزودن بر ابعاد  
سرکوب نموده ها گام های هر چه  
بیشتری را در جهت حفظ نظام  
فالمانه حاکم برداشته است.  
و تجربه ۱۷ شهریور به بسا  
می آموزد که نموده ها را با چه  
روحیاتی باید برای درهم  
شکستن پایه های اقتدار ارتجاعی  
رژیم و با آموزش از کدام تجربه  
عملی خود نموده ها، سازماندهی  
نموده، مبارزات آنها را به  
اشکال عالی تر ارتقا دهیم و کدام  
خط و شی معین را در میان آنها  
تبلیغ نموده و کدام سیاست های  
سازگاران را که هدف آنها حفظ  
موجودیت نظم کنونی است، افشا  
و طرد نمائیم، و یکبار دیگر آینه  
تجربیات خونبار خود نموده ها را در  
مقابل آنها قرار دهیم که بداند

به چه کسانی باید اعتماد کنند و  
از چه کسانی باید سلب اعتماد  
نمایند. امروز نیز همچون روزهای  
قبل و بعد ۱۷ شهریور ۵۷ کسم  
نیستند کسانی که در صدد شمار  
آرتش برادر است را احیا  
نمایند و از درهم شکستن پایه های  
قدرت کلیت نظم سرمایه داری حاکم  
جلوگیری نمایند. امروز نیز  
چون آن روزها کم نیستند  
کسانی که تصور می کردند و این  
ایده را تبلیغ می نمودند که اگر  
شاه برونده کارها درست  
می شود، فکر می کنند با سر  
خیشی "یا حذف یک مشت آخوند  
و غیره" همه کارها رو بر آید خواهد  
شد. ۱۷ شهریورهای دیگری در  
ایران اتفاق نخواهد افتاد  
۱۷ شهریور چهره کرب و ریب  
کار چنین نیروها شود بر ملا  
ساخت.

امروز ما در شرایطی ۱۷  
شهریور را گرامی می داریم که  
جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان  
سراسر ایران در طول سالیان  
گذشته، گام های عظیمی را به  
پیش برداشته است و از تجربه عملی  
خود، درس های گران بهایی  
آموخته است و اهداف واقعی خود  
را تا حد بسیار زیادی دریافته است  
و آماج اصلی خشم فروخورده خود  
را باز یافته و در اقصی نقاط  
ایران آنها آماج املی  
مبارزات قهرمانانه خود ساخته  
است.

امروز دیگر هر گونه وفاداری  
به آرمان ۱۷ شهریور ۵۷ و خون  
سرخ شهدای آن مفهومی به جز  
تلاش همه جانبه در جهت درهم  
شکستن عالمی گشتار دست  
جمعی و قتل عام نموده های بی  
بلاخ در خیابانهای تهران در این  
روز سیاه ندارد و هر گونه عدول از  
جنبش امری به مفهوم خیانت به

و کاشانه زحمتکشان و انهدام  
روستاها، هر چه بیشتر حمایت  
نموده های زحمتکش را از  
پیشروگان محدود سازد و بر سر  
تعدی و فشارهای متعدد بر سر  
نموده های خلق کرد بیافزاید.  
همانطور که واقعیهای  
گذشته تاکنون به اشیات  
رسانیده و خلق قهرمان کردند  
در عمل آن را تجربه نموده است  
تنها و فقط تنها کافیت کس  
نموده ها با اراده ای واحد،  
متشکل و یکبارچه به مقاومت  
و مبارزه علیه این سیاست  
ضد خلقی بپای خیزند. نه تنها  
مانع اجرای این سیاست

خون شهدای ۱۷ شهریور و بیاتگر  
عدم وجود هر گونه آموزش  
از تجربه خونین جنبش تسویه ای  
ایران حداقل در چند سال اخیر  
است.

تاریخ پنج سال گذشته  
نشان داده است که بی اعتباری  
به تجربیات جنبش نموده ای و  
پشت بازدن به آرمان و خواست  
نموده ها و زیر پا گذاشتن آموزش  
عملی مبارزات آنها، راه به کجا  
می برد و چگونه چنین چریکهای  
سرازمه ای جانی در می آورند که  
نموده های زحمتکش علیه آن  
مبارزه کرده و می کنند، چگونه  
به دفاع از موجودیت طلبان  
سرمایه داری وابسته ایستاد  
بر می خیزند که تمام نفوس و  
فلاکت و ادبار نموده ها حاصل  
وجودی آنهاست، وجودستم ملی  
و جنگهای خونین با خلقها و نیت  
ستم و کشتار و انقیاد آنها  
محمول اجتناب ناپذیرها کمیت  
آنهاست.

در سالروز ۱۷ شهریور ۵۷  
دلوری نموده ها را ارج نهاده،  
از آموزش عملی مبارزات آنها  
بیاوریم و به آرمان آنها  
وفادار بوده، گام های هر چه  
محکم و استوارتری را بر او حلق  
آرمان خلق ناپذیر شهیدای  
۱۷ شهریور که نماد ایجاد جامعه  
- ای دموکراتیک و فاری از هر  
گونه بیعدالتی و فساد و بیگستی  
است، برداریم.

بانیان و حامیان و مدافعان  
فدائی خلق ایران  
و نیروهای انقلابی و دمکراتیک

سرکوبگرانه کردند بلکه قدمی  
نیز در برابر فشارهای رژیم  
به عقب نگذاشتند.  
بگوئیم در پنجمین سالگرد  
قتل عام "قارنا" توسط رژیم  
جمهوری اسلامی با شرکت هر چه  
گسترده تر در جنبش مسلحانه  
خلق کرد با تبلیغ و ترویج  
برنامه و آرمانهای انقلابی و  
بین نموده های زحمتکش و  
سازماندهی تشکیلاتی و ارگانهای  
نموده ای و تجمع نیروهای انقلاب  
در راستای پیروزی جنبش  
انقلابی خلق کرد گام برداریم



اگر با کشتار قارنا و گسترش  
مبارزات مسلحانه زحمتکشان  
گردستان تلاتهای رژیم ناکام  
ماند و تاکنون کلیه نقشه های  
شوم و پلید آن در گردستان  
نقش بر آب گردیده است. امروز  
رژیم مترد آنست تا آخر بین  
حربه های را که ابعدی  
ناجعه امیزتر از قتل عام قارنا  
و... دارد را به مرحله اجرا  
در آورد. و با ویران ساختن خانه

شورای ملت و مسئولان ...

از صفحه ۱۸

تعمیق است. بخشی کسه در آن  
"نویسندگان" اطلاعاتی نسبت به  
سلامتی "جریان اقلیت" اظهار  
نمودند. و به آن "مشکوک"  
شده اند. متن کامل این  
پاراگراف بدین قرار است:  
"امادر و رای این طرزهای  
تلیخ باستی مراعات" و به  
"مردشان کنیم که ما در سلامت  
سرچشمه ها و آشغور املی  
موضع گیری های فدا انقلابی اقلیت  
تردید داریم و همین مواضع را  
در چارچوب کودکی و جنم جمعی و  
احساس رقابت خود بورژواشی و  
بورژوازی نمی توانیم تفسیر  
کنیم. اینجاست که بنظر ما این  
میزان مدیریت با مجادله  
و اینگونه شعار و تبلیغ کردن  
شورای ملی ملا و مسلمانان  
درست" به نفع شما انقلاب غایب  
و مطلوب و به نفع (امریالیسم) و  
بلاخره تبلیغ با ثباتی رژیم  
خسینی و فدیت با شما رملی  
- آنهم در شرایط تبره ران و  
حق آویز مستمر رشد تریسین  
فرزندان خلق - نمی تواند از  
سرچشمه چندان مالمی ششست  
گرفتد و عاری از هر عنصر "مشکوک"  
باشد. از این رو ما از نیروهای  
انقلابی و دیکراتیک و هواداران  
این نیروها می خواهیم در این  
رابطه هوشیاری بیشتری در قبال  
اقلیت داشته باشند و تاروشن  
شدن سرچشمه مواضع فدا انقلابی  
این گروه از اادامه روابط سیاسی  
با آنها بپرهیزند. بپارشد دیگر  
بایستی روشن شود که جنبش  
مواضعی از کجا سرچشمه می گیرد و  
به کجا راه می برد.  
ما اینجا روی آن کلماتی  
تکیه کردیم که خائز هستند و در  
خور تعمق است. بی شک ذهن  
خواننده دقیق، موافقا باشد از  
بی این لحن پر خاشاکانه و موهن

به دنبال ادله و اسناد است. اما  
پس از تحقق فراوان کثمت های هم  
در باره آن بهر حال. آیا علی  
سکوت "نویسندگان" این نیست  
که به الحرا کوشی بیکیفر خود  
در این زمینه واقف هستند؟  
ارائه اسناد و مدارک روشن و  
تویا و اظهار نظر واضح و مستدل  
در باره علت "هوشیاری بیشتر"  
که کما "منافع و الای جنبش  
انقلابی ایران" آنها در هر شرایطی  
ایجاب می کند، چه مسا منجرب  
افشای بیشتر از پیش ما هست و اتمی  
خود می شد. ولی نباید از این  
بابت دل آزرده شد. مجاهد جنگ  
"ریسمان" قدیمی را بر می دارد،  
یک مارک "تازه" به آن می چسباند  
و آن را به عنوان یک اپوزاد  
موشر علیه جنبش نویسن  
کمونیستی ایران بکار می گیرد.  
با خلایق که سازمان مجاهدین را  
از روی بی سلیکی به کام خود  
فرورنده است آنها را بر آن  
می دارد تا در پی راه نجاتی برای  
خود باشند. لیکن خرافات  
ماحیان املی "ریسمان"، چنان  
در تار و پود وجود رهبران آن  
رموخ کرده است که هر سرکشی و  
آشفته گی، ارمغانی برای آنها  
به جای نمی گذارد.  
اینکه مجاهد چگونه و با جد  
امدی راه نجات و خلاصی خود را  
در این "ریسمان" شناخته شده  
یافته و این عمل را چرا و چگونه  
انجام داده است، باید یک  
کمدی واقعی باشد. اما ابتدا  
باید دید دلایل توسل بدان، که  
(احتمال دارد "نویسندگان"  
مجاهد در اطلاعیه از آن تبعیت  
کرده باشند چیست؟  
آیا تحلیل رینگای گدل از  
اهداف رژیم جمهوری اسلامی در  
جنگ و چشم اندازهای احتمالات  
آینده، آنها را در این "انقلاب"  
مغمم کرده است؟ شاید  
"نویسندگان" بر آنند تا با محله  
کردن مطالب مغاله و هدف بخشی  
سهمی از آن (آنهم بطورزی  
ناشیانه و ناخوشی) چنین وانمود  
سازند که گویا "جریان اقلیت"  
"در فدیت با مجاهدی" در صدد  
"تبلیغ با ثباتی رژیم خسینی"  
است.  
اما بیستیم مرتضاه رینگای  
- گدل (شماره ۱۸) در این باره  
حد می گوید: مقاله پس از تفریح  
دهشتها و مصاحب ناشی از جنگ و  
گسترش آن در سطح منطقه، در  
ماه های اخیر و دعای طرفین  
درگیر جنگ، به اقدامات متعدد

و گسترده ای که در عرصه بین  
المللی در زیر فشار افکنار  
نموسی برای پایان دادن به  
جنگ دولتهای ایران و عراق  
آغاز شده است، اشاره دارد. و  
در پاسخ به این سؤال که تا چه  
حد تحقق این اقدامات ممکن و  
میسر است؟ بد لزوم روشن شدن  
زمینه های عینی توقف جنگ و  
عواقب ناشی از آن می پردازد.  
در این راستا می نویسد: برای  
بررسی این مساله قبل از هر چیز  
لازم است اهدافی که رژیم جمهوری  
اسلامی طی این جنگ دنبال  
کرده است، مورد بررسی قرار  
گیرد، تا براساس آن بتوان به  
سؤالات بالا پاسخ داد. در این  
رابطه اهداف رژیم به  
۱- اهداف سیاست داخلی  
۲- اهدافی که با سیاست خارجی  
آن مرتبط است، تقسیم می شود.  
در بررسی اهداف داخلی پس از  
توضیح اینکه جنگ در شرایطی  
آغاز گردید که یک موج وسیع  
انقلابی رژیم را لحظه به لحظه  
در بحرانی زرف فرو برده بود،  
به دو هدف اصلی اشاره دارد.  
الف: رژیم "از یک سو  
کوشید که در جریان جنگ بطور  
مداوم ارگانهای سرکوب خود و  
در رأس آن ارتش (که در جریان  
قیام آسیب جدی دیده بود) را  
سازمانی کند و با ارگانهای  
جدید نظیر سپاه، کمیته ها و  
سیخ آنها تحکیم و تقویت کند  
تا بدین طریق پایه های اقتدار  
سیاسی بورژوازی را در برابر  
تحرکات انقلابی توده ها مستحکم  
سازد".  
به: "و از سوی دیگر با  
برانگیختن احساسات  
ناسیونالیستی توده ها و تقویت  
گراشات شوینستی در میان  
مردم مسائل اساسی انقلابی  
توده ها را تحت الشعاع مسئله  
جنگ قرار دهد. ذهن مردم را  
متوجه جنگ کند و به قول سران  
رژیم جنگ را به مثابه اصلی ترین  
مسئله جامعه درآورد". آنگاه  
سرازیاید که رژیم جمهوری اسلامی  
طی نزدیک به چهار سال ادامه  
جنگ تا حد زیادی به اهداف  
داخلی خود دست یافته است. به  
عبارت دیگر تا حد زیادی توانسته  
است مخالفین سیاسی خود را  
سرکوب کند. مانع از اعتراضات  
و اقدامات مستقل و سازمان یافته  
شده نشود و تضادها و بحرانهای  
داخلی خود را تعدیل دهد. و در

## جواب یکتا و یگانه...

نتیجه این جنگ تا همین حده دوام و بقاء آن مدد رساننده است. مقاله در این میان از عوامل کمک کننده بین المللی به ویژه تلاشها و حمایتهای امپریالیسم و ارتجاع منطقه و حتی تا حدی با انسیبه طولانی مدت دولتهای مترقی و انقلابی جهان تحت عنوان "مبارزه ضد امپریالیسم"، که رژیم را در تحقق نسبی اهداف داخلی اش یاری رسانده است، نام میبرد. نویسندگان "اطلاعیه بعد از خلط این مبحث، با حذف بخش مربوط به اهداف سیاست خارجی رژیم جمهوری اسلامی و اقدامات متعدد بین المللی، برای سایه افکندن بر روی کنه مطلب اصلی، مطابق معمول خود را ملزم به نتیجه گیری عجولانه کرده و چنین حکمی را صادر می کنند: "اپورتونیزم علاج تابدیر و عمیقاً رابت (!!) اقلیت، تابدانجا بینش و تار و بود نظری این جماعت پیوسته در حال تلاشی و انشعاب را تباه کرده است که حتی قادر به دیدن خورشید درخشانترین مقاومت انقلابی خلق ما و پیشگامان مجاهدش (!؟) نیست و مقاومتی که ریشه های "دوام و بقاء" رژیم ضد بشری خمینی را بر سرای همیشه نابود کرده و امکان بازسازی را برای آنان در تمام میثاق از بین برده است." نخست اینکه آمال و آرزوهای آنها در باب "پیوسته در حال تلاشی و انشعاب" موجب تبسم ما می گردد. و این تبسم بطور قطع همچون کشیده کار سازی به گوش آنها خواهد خورد. سپس اگر با عسارت مغرورانده شان قصد آن دارند تا گریبان خود را خلاص کنند و سرکوب خونین خلق ما و پیشگامان آن (اش) نه تنها مجاهد و شکست استراتژی و تاکتیک خود را منگوشوند، ما می گوئیم واقعیات نیرومندتر از نیاز و گوییهای آنهاست. امروز برای هر کسی که می خواهد، فاکت و واقعیت تلخ، دردناک و ناگوار را ببیند و نمی خواهد سرش را در لای خود فرو برد و چشمان خود را

ببندد، این ساله اظهر من الشمس است.

آیا رژیم موفق به سرکوب خونین ترغاب انقلابی توده ها و پیشگامان آن نشده است؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی در تسد اوام این جنگ تبیگارانته ارگانهای سرکوب خود (در راس آن ارتش) را بازسازی نکرده است؟ مجاهدین که زمانی به سرای سرنگونی خمینی ماه تعیین می کردند و هزاران نفر را به مسلخ بورژوازی لعام گسیخته فرستادند و دست آخر سال ۸۲ را سرنگونی ضربتی خمینی اسلام کردند، چگونه بعد از دو سال و اندی به امکان پذیر نبودن سقوط شتابان رژیم رسیده اند (نقل به معنی از مجاهد ۲۰۸) مجاهدین که برای پنهان کردن علل شکست خط وشی خود مدام به فازهای گوناگون تبلیغاتی توسل می جستند، ضربات وارده بر بیکر تشکیلات خود و سایر نیروهای انقلابی را به حساب کدام یک از پیشرو اهداف رژیم می گذارند؟ بیلان ۱۲۰ هزار لیر و ۲۰ هزار شهید دلالت بر چه دارد؟ پی ملوم می شود نویسنده گان "اطلاعیه قصد دارند تا این تناقض گوییها را با تبلیغات کاذب، گفتارهای سطحی و مضحک لاپرواشی کنند. اما ما می گوئیم حقیقت را هر چند که دل زار و تلخ باشد نمی توان در برابر مردم آرایش داد. حال بسیم جوا آنها در باب تحلیل ریگای گدل از اهداف خارجی رژیم به عنوان "جزم" لایفک سیاست داخلی آن، یکسوت اختیار نموده اند؟ لابد "مصلحت" این را ایجاب می کرد. برای این منظور تفسیر و ذکر نقل قولهای از مقاله ریگای گدل ضروری است هر چند که این امر مطلب را ثقیل کند ولی برای پی بردن به کنه مطلب راهی به جز این نیست. درک سبک غفزان "نویسندگان" اطلاعیه آنسرا اجتناب ناپذیر می یازد. در مقاله در تشریح و بررسی اهداف سیاست خارجی رژیم آمده است "رژیم جمهوری اسلامی که یک حکومت مذهبی است پسان اسلام و رویای پسان اسلام را بطوری اسلامی رادر محور سیاست خارجی خود قرار داده است. این سیاست که توسعه طلبی جز لایفک آن محسوب می گردد و برای پیشبرد اهداف خود به ناگزیر می باید در

جنگهای مداوم خارجی درگیر باشد. آنگاه می افزاید که اگر چه عوامل متعددی که در پسان بدان اشاره رفت به رژیم امکان دستیابی به اهداف سیاست داخلی خود در جنگ را می داد اما چنین عوامل مساعدی برای تحقق اهداف سیاست خارجی رژیم وجود ندارد. نخست اینکه توان و ظرفیت اقتصادی - سیاسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی در حدی است که به آن امکان نمی دهد بدو یا های توسعه طلبانه خود حاد عمل بیوشاند" و مثال بارز آن، آخرین تهاجم رژیم است که علیرغم به کارگیری حداکثر تکنیک جنگی و امکان تدارکاتی با شکست مواجه شد. دوم آنکه "امپریالیسم آمریکا و دولت مهبونیستی اسرائیل که تنها برقراری توازن کنونی بین نیروهای ایران و عراق، جانبدار رژیم جمهوری اسلامی و پیروزی های آن بودند و از ادامه جنگ حداکثر بهره برداری اقتصادی و سیاسی در منطقه می نمودند (به ویژه این جنگ از یک منجر زمینه گسترش مداخلات سیاسی - نظامی امپریالیسم در منطقه را فراهم نمود و از سوی دیگر به دولت مهبونیستی اسرائیل امکان داد تا با مداخلات مسلح - نظامی خود در لبنان حبش فلسطین را سرکوب کند) اکنون هیچک خواهان برهم خوردن موازنه سیاسی - نظامی کنونی و دست یابی رژیم جمهوری اسلامی به پیروزیهای نظامی تازه ای نیستند. سایر دولت های منطقه هم به دلیل تسلل تهدیداتی که اهداف سیاست خارجی رژیم متوجه منافع آنهاست، در مقابل آن حضارائی کرده اند، دول سوسیالیستی نیز که از ابتدا موافق این جنگ نبودند بر از پی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم و پان اسلامیم ارتجاعی آن، مخالف پیروزیهای جدید رژیم جمهوری اسلامی در جنگ هستند. بر ستر چنین تحلیل سیاسی، پاسخ سئوال اصلی بدینگونه جمع بندی می شود: اکنون یک مجموعه عوامل مانع از تحقق این اهداف رژیم در جنگ است. و بر همین مبناست که امروزه کلید عوامل دست اندرکارند تا رژیم جمهوری اسلامی را وادار به متوقف کردن جنگ کنند. هر چند که رژیم پسان

شورای پیکار و جهاد ...

به اهداف توسعه طلبانه و  
"خیراتی" که جنگ برای او به  
ارمغان آورده است. تسلی به  
این توقف جنگ نداشته باشند و  
چوبه‌ها که در آتیه، در مدتی  
مجدد باشند. اما با توجه به این  
امر که با وجود توازن سیاسی-  
نظامی موجود و عوامل مساعد  
آزادی قادر به پیروزیها نمی-  
باشد. نوینی در جنگ نیست و عدم  
پیروزی در جنگ خود به عاملی  
غلبه امپراتوری بدل خواهد  
شد که رشد ناراضی در میان  
شده‌ها و تشدید تضادهای درونی  
هیئت حاکمه را به دنبال خواهد  
داشت و نیز در نظر گرفتگی  
فشارهای متعدد خارجی ناگزیر  
است، حتماً بدون تغییری در  
قدرت حاکمه عراق موقتاً هم که  
شده توقف جنگ را بپذیرد، سپس  
نتایج حاصله از آن بی-بسیار

احتمالی بین دولت ایران و  
عراق را بدینصورت ترسیم  
می‌کنند: "چنین توافق بر خلاف  
نصیر کسانی که حرفا خراشان  
برقراری صلح میان دولتین  
ایران و عراق هستند دشمنان  
وضعیت رژیم جمهوری اسلامی را  
به مخاطره نخواهد افکند، بلکه  
بالمعکس خود به اهرمی برای  
سرکوب هرجه بیشتر شده‌ها بدل  
خواهد شد ... رژیم جمهوری  
اسلامی تلاش خواهد کرد که با  
اتکاف به نیروی عظیم سرکوب  
شده‌های مردم - اسیر ایران را  
زیر فشار بیشتر قرار دهد ...  
در مورد کردستان اگر توافق

مشترکی برای سرکوب خلق کرد  
صورت بگیرد که مطمئناً صورت  
خواهد گرفت و رژیم جمهوری  
اسلامی بخش عظیمی از نیروی  
سرکوب میانی را به سرکوب  
جنبش خلق کرد اختصاص خواهد  
داد.

ایستادگی که مطلب اصلی  
و همین نکته است که نامی در بین  
اختلافات بین این دو سازمان در

زمینه ترسیم پشاندازهای آبی  
جنگ و تعیین سیاست‌ها و شعارها  
را در خود نهفته دارد.  
از یک سو خلی که بر اساس  
تجزیه و تحلیل مشخص تاریخی  
بدست آمده است و با بررسی  
مجموعه مشخصات اوضاع و احوال  
سیاسی به نتایج زبانتوافق  
بین دولت ایران و عراق اشاره  
دارد. و بر این مبنا فراسر  
شکست دولت خودی در جنگ  
ارتجاعی می‌شود. و با نتیجه به  
طرح شعار تبدیل جنگ ارتجاعی  
به جنگ داخلی می‌پردازد. در  
همان شماره، رنگی گسل در  
بررسی شورش اخیر مردم بانه  
غلبه جنگ و رژیم جمهوری  
اسلامی، از یک جنبش انقلاب  
و گسترش فتنه شده‌ها نسبت به  
جنگ نوید می‌دهد و از بیداری  
شده‌ها یاد سخن می‌راند. بر این  
مبنی است که جنبش با تبدیل خلی  
که از طرف سرانداران به تشیع  
سرانداران، به جنگی که از  
طرف برولستان و روستاها به  
شیع می‌باشد شونده‌های استعمار  
شده، می‌توان سرکوبی رژیم

جمهوری اسلامی را سریع جتند  
و جنبش‌های صورت است کشند  
می‌توان مانع از تاخیرات مخرب  
توافق بین دولتین درگیر جنگ  
شد. و جنبش از این طریق است که  
می‌توان وضعیت رژیم جمهوری  
اسلامی را به مخاطره انداخته و  
وی را از امکان سرکوب هرجه  
سبتر شونده‌های جنبش خلق کرد  
محروم شوند.

جنگ شونده‌ها را تکان داده  
و با مصالح و نتایج پس در شاکتی  
آنان را بیدار کرده است.  
فرونی برای پایان جنگ و وارگی  
و فشارهای متعدد مادی و معنوی  
ضرورت سرگرداندن سلاح را به  
روی حکومت و بورژوازی خودی  
بولحظه بیشتر برای آسایش  
ملحومی تر می‌کند. تبدیل جنگ  
ارتجاعی به جنگ داخلی بگمانه  
شمار صحیح انقلابی است که  
تجارب جدید سازد جنگ آنسرا  
به شورش رسانده است. و این  
شعار امروزه از مجموعه شرایط  
حاکم سرچشم بین دو دولت  
ارتجاعی ناشی می‌شود. هر چند  
که یک جنبش تشکیلی در این با  
آن لحظه حاضر تصور به نظر آید.  
اما انقلابیون سرکوب از کنار  
مدام و پیگیر در میان شونده‌ها و

سازماندهی آنها که نیازمند  
آزاده‌ای آشنی و استوار است  
سرباز می‌شوند. توده‌ها  
مطمئناً پس از پشت سر نهادن آن  
جبهه تجارب گرانها به آسین  
حقیقت‌سازده پی می‌برند که رژیم  
دومش جمهوری اسلامی را توافق  
رئیسجانی - طارق عزیز ساقط  
نمی‌کند.

از - دیگر خط وشی است  
که سازمان ساجدین از آن  
پیروی می‌کند. آنها با ویر به  
توده‌های میلیونی و نقش  
تاریخساز آنان با آسین  
شردن سیاست جنگ طلبی فوجینی  
در رویاهای خود تحقق صلح را  
در شرایط فعلی موجد یا راه‌نشدن  
تدراختنای سقوط فوجینی  
می‌دانند. بر این مبنا می‌باشد  
هریک از فازهای تبلیغاتی  
خود، شعار صلح را به عنوان تنها  
راه حل ممکن، در میانه‌های  
لازمین سرمایه‌داری جهانی به  
در و دیوار نصب می‌کنند. عاقل  
از آنکه تمامی این تظاهرات  
بطور مستقیم در خدمت سنا کرده -  
کنندگان اصلی صلح یعنی  
دولت‌های ارتجاعی ایران و  
عراق قرار می‌گیرد. روشن است  
که این بار آقای رجوی را در  
اطاقهای مذاکره جانی نیست،  
ساجدین هنوز از این واقعیت  
ساده درس نگرفته‌اند که دیگر  
می‌توان در "وبلی او سوزوار"  
فرشته در غیاب شونده‌ها از طریق  
یکسری بند و بسته‌ها و روابط  
خاص با امپریالیسم جهانی به  
حل و فصل مسائل جنبش پرداخت  
شونده‌ها. یعنی آشنایی که  
میلیونی هستند بدراحتی گول

شی‌خورند. گذشت زمان نشان  
داده است که درباره آنچه که  
رخ می‌دهد با حساسیت تمام  
به تمیق می‌نشیند. سیاست‌ها و  
شعارهای سازمانیای مختلف را  
اگر از میان آنها جزمینه  
نگیرد به سرعت به زائنه‌ها  
تاریخ می‌چسباند اما غالب است  
که "سویستگان" اطلاعاتی به‌دراز  
آنگه سوخته نده‌اند مغری و  
کپری چند آنها نتوانسته است  
خریداری برای "شعار استراتژیک  
صلح" بیاید برای کسب حیثیت  
هم که شده به لیبی تزل می‌چیند  
و می‌نویسد: "هوشا به حال لیبی"  
خود بورژوازی کوتاهی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیکتاتیک خلیای ایران است

## دربابیت و پستان...

یک زمان دور از چشم روشنفکران افلجی توانسته شعار مسلط از توهم طرح "را اللهم به عنوان رجز پرولتاریا مطرح نموده و به پیشی ببرد." (تاکیدات از ماست) اینکه "نویسندگان" مجاهد چگونه به این درک رسیده اند، ناپدید مضحکهای بیش باشد، انسان را بیشتر به یاد باررگان می اندازند که وقت و سرفوت برای نمی کردن مضمون تاکتیک سازش لنین آن را در هلیک های سیاسی خود بکار می گرفت. اما بیچاره "نویسندگان" مجاهد به دلیل عدم اطلاع و سطح نازل آگاهی حتی در این امر نیز موفق نبوده اند. گوش کنید:

لنین در مقاله "وظیفه عمده این ایام"، شرایط و اوضاع و احوال سیاسی ناظر بر پیشبرد طرح تیلزینک (اصطلاحی که وی به آن می داد) با امپریالیسم آلمان را چنین توصیف می کند:

"ما در ظرف چند روز یکی از قدیمی ترین، و حیاتی ترین و دشمنانه ترین رژیم های سلطنتی را منهدم ساختیم. ما ظرف چند ماه مواجلی را در رشته

سازندگاری با بورژوازی وریشه کن ساختن توهنات خورده - بورژوازی طی کردیم که ما بر کشورها برای طی آن دهها سال هرب کرده بودند. ما در ظرف چند هفته بورژوازی را سرنگون ساختیم و بر مقامات آشکار وی در جنگ داخلی غالب آمدیم.

ما با مارش پیروز منداغه و کفر نمون بلخویم سراسر یک کشور پناه ور را طی کردیم. ما پالین ترین تشرافاتی از توده های زمکشی را که دستخوش منسم تزاریم و بورژوازی بودند، برای آحر از آزادی و زندگی مستقل به پا داشتیم. ما جمهوری شوروی را که نمونه جدید دولت و بطور غیر قابل قیاس عالیتر و دمکراتیک تر از بهترین جمهوری های

بارلمانی بورژوازی است، معمول داشتیم و آنرا پایدار ساختیم. مادیکتاتوری

پرولتاریا را که مورد پشتیبانی دهقانان تهیدست است مستقر

ساختیم و سیستم اصلاحات سوسیالیستی بر دامنه های را آغاز نهادیم. ما ایمان به قوای خویشتن را در قلسوب میلیونها و میلیونها کارگر کلیه کشورها برانگیختیم و آتش شور و شوق را در درون آنان برافروختیم... ولی درنده امپریالیست با حمله خود به بی سلاحان، در ظرف چند روز ما را به خاک انداخت، او ما را وادار نمود قرارداد صلح بی نهایت شاق و خفت باری را امضاء کنیم، و این به مثابه باجی بود در مقابل جبارتی که ما به خرج دادیم تا حتی برای کوتاه ترین مدت هم شده، از

منگنه آهین جنگ امپریالیستی بیرون جهیم (تاکید از ماست) حال باید از مجاهدین

پرسید، در ایران چگونه؟ آیا در ابتدای امر تمامی سلاحهای پوری رژیم خودی برگشته است؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی در یک جنگ داخلی تمام عیار از پای درآمده است؟ آیا درنده بورژوازی عراق به ارگانهای انتدار توده ای و سازمانهای حقیقی کارگران و زمکشان یورش آورده است؟ آیا میهن سوسیالیستی در خطر است؟ آیا منگنه جنگ تسکارانه چنان است که دولت پرولتری را به یک دوره تنفس برای جش مجسدد واداشته است؟

ملاحظه می کنید؟ "نویسندگان" اطلاعیه تازه حد ره را عوضی یافته اند! گوش در حالت خواب شعار "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی" را تحقق یافته پنداشته اند و اکنون آقای رجوی بجای خمینی به عنوان "رهبر پرولتاریا" (بخوان "مستضعفان") به یاری "پشتازان مجاهد" در مسند قدرت قرار گرفته اند، و زمان برای طرح مپیست در حقیقت با چنین تحریفات و سفسطه - جوئیها نیست که آنها مطلب اصلی را پرده پوشی و غلط می کنند. آنجاء که ضعف خاصان، از حرکت باز شان می دارد، به همان "پستان" قدیمی پناه می برند، اکنون مجاهدین از آن ملحسی دفاع می کنند که مذاکره کنندگان

اصلی را این بار نه آقای رجوی - طارق عزیز، بلکه رفسنجانی - طارق عزیز و با به عبارت دقیقتر دولت های ارتجاعی ایران و عراق تشکیل می دهند. و این مذاکره نه صلح دمکراتیک منجر می گردد و نه به سقوط شتابان رژیم می انجامد. و بدون سرنگونی رژیم هرگز ملحی دمکراتیک برپا نمی شود و رهبران مجاهدین این نمی بینند و یا نمی خواهند ببینند. جریان کار روشن است مجاهدین که بنای خود را بر سیر دلخواه اوضاع ریفنه بودند، در گور راه یاس و ناامیدی و در واپسین لحظات تلاشی "شورای ملی مقاومت" و شکست تمامی سیاست های خود بدر گجهای عجیب دچار گشته اند. پیام های خدایان وز و زیور و مهمانی های بندگی و بردگی، تاثیر بی هوشی آور خود را بجای می نهند. ایدئولوژی امپریالیستی از و رای "حمایت های عدال - خواهانه" گری هارت ها، کندی ها و... در حال اثر بخشی است. عدم جارت در تمحیم خط و شی خود ناباوری به توده ها و خرافات به ارث رسیده از بورژوازی لیسرال و در مک کلام بی موزنی آشکار مجذوبیت امپریالیسم را در نزد رهبران مجاهد تشدید کرده است. آنها این بارتنها راه "موفقیت" خود را به عنوان آخرین تانسی در جلب حمایت امپریالیسم جهانی یافته اند و اکنون بی سرعتی دوجندان به گرداب جذب می شوند.

اما این تازه آغاز کار است. ابتدا باید خلوص نیست مجاهدین ثابت گردد. ترخیص آنها به دستجات سلطنت طلب و حتی خود خمینی به سادگی ممکن نیست. در این راه جلب اعتماد، سلاطین سرمایه اولین و مهمترین گام اساسی است. اما سرمایه از مجاهد چه می خواهد؟

الف: با وعده و وعیدهای توخالی سیر انقلاب را با احتیاط هر چه بیشتر و هر چه نامشهودتر ترمز نماید، آنرا از مضمون تنی سازد به طوریکه توده ها تنها با اصلاحاتی تحویض درالارا بپذیرند (رجوی به جای خمینی) ب: با استفاده از انواع برجسب هائی نظیر "خوابکار" "جاسوس"، "عمال بیگانه" در صفحه

## کشتار قارنا جلوهای از عجز و زبونی رژیم

گروهی از فعالان

از صفحه ۱۸

هیچ سرکوب و کشتاری قادر به درهم شکستن اراده و مبارزه توده ها نمی باشد. آن چیزی که تاکنون دوام و پایداری جنبش را به اثبات رسانیده و نویسد پیروزی و شکست قریب الوقوع و چیزی مرتجعین را می دهد. هنگام حضور فعال و بالفعل و باشی توده ها در جنبه مبارزه و مسائل عملی آن است. همان نیرو و انرژی بیگانه کننده دوام بخش حرکت و پیشروی بی پای بعدی است. همان منبع غنیمی که رژیم جمهوری اسلامی نابودی آن را هدف بزرگ و همیشگی خود

صاحی از بزافتادن تاسیس است. ستیزگانه رژیم شاه خائن در آسمان یاز و روشن آزاد کردستان خود به رقت و لثق امور زندگی شان همت گماشته بودند و برای معافیت از هرگونه سلب ستیزگانه به سلاح تکیه نموده بودند را. درهم بشکنند. آنها را مرعوب ساخته و به زانو در آورند. کشتار قارنا جنایت هول انگیزی که خبر آن توده های سراسر ایران و جهان را تکان داد، یکی از اولین پرده های جنایتی بود که رژیم برای رسیدن به اهدافش در

۵ سال از کشتار دسته جمعی اهالی روستای "قارنا" در شهرستان گنبد، طی هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به قارنا، عین از مردم زحمتکش و بی دفاع این روستا، از زن و مرد و پیر و جوان بطور فجیعی به شهادت رسیدند. مزدوران با یورش مغول و ار خود به خانه و کاشانه زحمتکشان و غارت و به آتش کشیدن آنها از قارنا ویرانه ای بیش بر جای نگذاشتند و با اذیت و آزار زنان و دختران روستا بر عمق جنایت و وحشیگری خویش افزودند. بعد از ضربات خرد کننده ای که مزدوران رژیم در طی یورش های خود به شهرها و روستا های کردستان متحمل گشته بودند برای غلای و این مقام جوشی از توده های مسلح خلق کرد که با خلق وینی حماسه آفرین، مزدوران سرکوبگر رژیم را به شکست و عقب نشینی واداشته بودند، دست به قتل عامی در "قارنا" زدند که تنها می توان آن را با جنایت فاشیستهای آلمانی، کشتار مردم ویتنام توسط آمریکا و قتل عام فلسطینیان در دیر یاسین توسط صهیونیست های اسرائیلی مقایسه نمود. رژیم جمهوری اسلامی بعد از شکست فاجت بارش در یورشهای اول کردستان به درستی فهمید تا حمایت توده های مسلح و قوی و حضور فعال آنها در مقاومت کردستان وجود دارد، به سادگی به اهداف بلند خود دست نخواهد یافت. وبدون از میان برداشتن موانع موجود، خلق سلاح توده ها و درهم شکستن اراده آنها بر جنبش انقلابی خلق کرد تفویض نخواهد یافت و کردستان به مثابه دژ مستحکم پذیر به یکی از پایگاههای مهم جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقها بدل خواهد شد. در حملات وسیعی که بمنظور تسخیر شهرها و مناطق تحت نفوذ پیشمرگان صورت گرفت، رژیم تصور می نمود با سرکوب و کشتار خواهد توانست اراده توده های زحمتکش که تنها بعد از چند



تلقی می کنند. اینک رژیم که تا توان در سرکوبی جنبش انقلابی خلق کرد با پراکندن مزدوران خود در اقصی نقاط کردستان تا چاره تحمل ضربات متوالی پیشمرگان انقلابی می باشد، آخرین حربه های خود را به کار بسته است و مزورانه سیاست تخریب و انهدام روستاها را در پیست گرفته است. اگر رژیم در کامهای اولیه برای به شکست گذاشتن جنبش خلق کرد، بر اثر فشار جنبش سراسری خلقهای ایران و مقاومت و مبارزه گسترده توده های شهرها و روستا های کردستان، با عقب و ناتوانی شدید رو برو بود و امکان بروز عمیق حرمی و ولس خود چنانچه رانداش را نمی یافت.

کردستان آن را اجرا نمود بعد از "قارنا"، "ایندر قاش" و قتل و کشتار ۵۴ نفر از اهالی این روستا و... دهها و صدها فجایع دیگر سراسر کارنامه سیاه و زشتی جمهوری اسلامی را در کردستان به دست می دهد، اما نه قهلاخان، نه قارنا و ایندر قاش و... نه ویران ساختن روستاها و توب و خمبار باران مردم بی دفاع که امروز به کار اصلی مزدوران رژیم تبدیل شده، هیچ کدام نتوانسته در غم و اراده خلل ناپذیر خلق کرد خدشهای وارد سازد. تاریخ مگر بر خیال پردازی خام اندیشانی نظیر رژیم جمهوری اسلامی مهر - بطلان کوبیده است. کردستان خود شاهد و گواه است و توده های زحمتکش خلق کرد در عمل به اثبات رسانیده اند که

# صمد

از صفحه ۱۸

آثار صمد را تا اعمای قد و سوغ داد و زندگی و راه صمد را بعنوان یک انسان نمونه و خلاق به سرمشق ابدی بخش عظیمی از جامعه ایران (اکثریت نسلهای جوان) مبدل ساخت. صمد در حقیقت اگر چه چشم جهان جهانی که او را لحظه برای شناخت جهت تغییر آن تلاش می‌رزیست فرو بست، اما در ذهن بیدار و پویا شکر میلیونها نفوس هر روز بیشتر از روز پیش زنده گشته و به حیات جاودانه دست یافت.

صمد در زندگی کوتاه و نابریار خود چکیده عیان علیه وضعیت حاکم پر روزگار خویش و برهنگ مسلط در تمام این سالها آن بود و نیروی محرکه قدرتمند چنین مصائبی باطنی می‌جسارت و خلافت خود در وجود او متبلور بود. او با اراده‌ای استوار و عزمی راسخ و تلاش بی‌حد و حصر بدنبال آنچه می‌طلبید و ضرورت آن را احساس می‌نمود، راه سبز و آرزو تحقق اهداف خویش را جستجو نمود و با شناخت و درویشانه‌ترین وجود بر آنها انگشت گذاشت و پیچیده‌ترین مسائل را به ساده‌ترین زبان بیان نمود و حاصل معضلات اساسی را از ساده‌ترین راهها آغاز نمود و تمام مسیری دریافت‌های شگرف خود در زمینه ضرورت دگرگونی در وضعیت حاضر را در قالب قلمه‌های کوتاه و قابل فهم برای کسانی که نیروی اصلی و موضوع واقعه‌ی ثلاثی‌های او بودند، عرضه نمود. او کار خود را چه در عمل و چه در چشم‌اندازهای بسیار فراتر از تجربه عملی خود در مقیاس‌های فراتر از تصور عمل فردی، به روشنی استوار ساخت، بر بخشی از جامعه بنیان گذارده افق‌های روشن فردا در گرو تلاش خستگی‌ناپذیر آن بود.

صمد تلاشی خود را از محسوده عمل خارج خود آغاز کرد و شناخت خود از روندهای عمومی حرکت آتی را در جریان مستقیم شناخت عینیت و تجربه عملی هر چه بیشتر ارتقا بخشید. او بعنوان بسک

معلم آگاه و متفکر نقطه عزیمت خود را شناخت حیات عینی و ذهنی توده‌هایی قرار داد که در میان آنها می‌زیست، و بر همین اساس نیز راه نفوذ هر چه بیشتر در میان آنها و اشجار خشم فرو خورده آنها را در سخن گفتن به زبان آنها و از آلمان و اهداف آنها، یافت و به همین دلیل نیز در رنجم و شادی آنها، در فقر و پیدایش و صحت و آرزوی آنها نیز همراه با آنها اما با ایما می‌خفت تا پذیره امکان قطعی درهم شکستن وضعیت حاکم پر زندگی آنها، به پیش شناخت و بر هر کجا که پا نهاد، آثار حضور قدرتمند و خلاق خود را برجای گذارد. وسعت دریافت‌های او تا شبر آنها در چنان ابعاد بود که علیه رستم آنکه پای صمد تنها به معدودی از روستاهای آذربایجان رسیدن مشاهدات و حضور عملی او تنها در محدوده معینی محصور مانده، با زتاب کار صمد انکاس بسیار شگرف و گسترده یافت و در پای صمد را در سرتاسر ایران رد هر آنجا که نوشته‌ای از او را می‌یافت، برجای گذارد.

صمد درستی بر آنچه که می‌پایید بر رویاروندهای وضعیت موجود ساخت آگاهی داشت و تلاش او صرفاً در جابجایی چگونگی راه‌هایی برای تغییر وضعیت قابل بررسی است. صمد کار خود را از شناخت مناسباتی که گرسنگی و فقر از ملذمات وجودی آن هستند و از روش تربیت و فرهنگ آموزشی که چنین مناسباتی را تقدیس و در بهترین حالت قابل تحمل فرض می‌نماید آغاز کرد و راه مقابله با آن را جستجو نمود و در تفکر و تلاش روزمره کسانی که از هر سو

احاطه گشته اند دقیق شد، گذران زندگی آنها، دردها و رنج‌های آنها را با شکافت و خوشبختی رهایی از وضعیت موجود را نه در رویاها که در بنیادی ترین شکل خود در تلاش آتی خود آنها برای بنیادین آن، تصویر نمود. مضمون اصلی تمام نوشته‌های او حرکت بر چنین بستری تشکیل می‌دهد. بویژه آخرین اشعار و "ماهی سیاه کوچولو" خود گویای تاسی‌ترین دریافت صمد در این زمینه است.

اگر در مجموعه قلمه‌های صمد بویژه آخرین اشعار و بدقت کنیم بدون تردید چهره پویا و خلاق صمد را در لابلای سطور آنها بعنوان تجلی عنصر آگاهی-آگاه می‌

رزم شده و در تلاشی و با هدف - در میان نبود مسائل - با که همگی پیرامون قهرمانان - با که همگی چهره‌روشنی از اوضاع زندگی عادی مردم هستند بهینه شده خواهیم کرد. او با تاسی و وجود خود، عشق و کینه راه‌رکتار هم و با دلائل روشن و مشخص اجتماعی به کودکان می‌آموزد و سیر آن‌ها زندگی آنها را از همان آغاز با اشعار به این واقعیت که در زندگی اجتماعی که بیسان آن‌ها را برابری و علم و تمیزی استوار است. کودکان با پند و بیا می‌آموزند که هر چه کسانی کینه بورزند - هر چه کسانی عشق و بیا چه امیدهای پرورش داده شده و چگونه در مقابل شما می‌آید که وضعیت نامساویان حاکم را توجیه و تغییرناپذیر عرضه می‌کند، ایستادگی نموده و از طریق مبارزه بدینگونه است که حتی امروز نیز اگر در مفسوف مبارزه کنونی بدنبال آساری که بیشترین تاثیر را در بیداری شورما رزانی فعالین جنبش داشته، بشردیم. بدون تردید نام صمد آثار او را در صدر همه خواهیم یافت و با ناعلمانی‌ای عظیم عیان او و دیگران رو به رو خواهیم بود.

آری، اگر چه صمد در شهریور ماه ۶۲ شماریان فروست، اما میراثی که از خود برجای نهاده و معمول زنجیر خستگی‌ناپذیر، هدفمند، خلاق او بود، چنان تاثیر برادر حرکت آتی جامعه ما باقی گذارده که نام و یاد صمد را جاودانه ساخت.

در مالگرد شهادت صمد و خاموشی دردناک این انسان تشنه خشم زشتان که آرام در کار خود بود و چه خوب میدانست که چه می‌کند و چه می‌کند، بگوئیم بر میراث او وفادار بوده از او بیا موزیم و بر آرزوهای او بیفزاییم. از صمد بیا موزیم که چگونه در هر کجا که هستیم، تحرک و پویایی و شوی به روشنی را زنده نگا داشته به نیروی مادی تغییرات بنیادی مبدل سازیم.



## پنجمین سال جنگ

از صفحه ۶

کام به کام را در میان آنها ترویج و تبلیغ نمود. آیا باید حتی در تمایل آنها به پاسبان دادن به یکی از دهشتناک ترین جنگها، نیز اهداف این مرحله از مبارزات پرتحرک و قهرمانانه آنها یعنی سرنگونی رژیم حامی و هدایت کننده این جنگ به مراتب شناک تر از خود جنگ را خواستار شد که خود جنگ ارتجاعی کنونی معمول وجودی آن و در جهت منافع و مصالح حیاتی آن برپا گردیده است.

بزرگ گردیده است، یا آنها را نخست برای قطع جنگ و سپس برای سرنگونی رژیم دعوت نمود. کسانی که در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در انقلاب حاضر به بررسی مبارزه جتناری توده ها و اتخاذ سیاست و تعیین شعارهای مرحله ای و غیره می پردازند، نمی باید مریضا و با تمامی قوا با تبلیغ شعار ملج دمکراتیک از طریق تبدیل جنگ کنونی به جنگ داخلی علیه بورژوازی خودی، و با روحیه مبارزه آشکار و مستقیم متناسب

با دوران انقلابی حاضر توده ها را سازماندهی نمایند.

اشتیاق توده ها به ملج را نباید در حد همان درک ابتدائی آنها، بلکه باید یک گام پیشتر و در جهت منافع آشی آنها سازماندهی کرد. باید نقش پیشرو توده ها و نه مفسر تمایلات خود به خودی آنها را بر عهده گرفت و به ضرورت لحظه، خطیر کنونی حرکت انقلابی توده ها، پاسخ روشن و مشخص داد، چرا که انقلاب مدام در کارخوبش است و هیچ چیزی حتی مهیب تر از جنگ کنونی را با رای مد کردن آن نخواهد بود.

علامه این که در شرایط پیشرفت بلا نقطه انحطاط انقلابی، جانبداری از شعار ملج بدون محتوای مشخص طبقاتی، چیزی جز خدمت به منافعی بورژوازی خودی نخواهد بود. اگر چه حتی چنین شعاری متناسب با تمایل وسیع ترین بخش توده ها هم باشد.

تمایل توده ها به طرفداری از ملج، اغلب بیانگر آغساز اعتراض، خشم و درک ماهیت ارتجاعی جنگ می باشد. این وظیفه کلیه، سوسیال دمکراتها است که از این تمایل استفاده کنند. آنها در هر جنبش و هر تظاهرات که نتیجه چنین احساساتی است، با حرارت ترین نقش را به عهده خواهند داشت، ولی هیچگاه خلق را با قبول این عقیده که یک ملج بدون

الحاق، بدون ستم به ملت به بدون غارتگری و بدون در بر داشتن نظم، جنگهای جدید حکومت های کنونی و طبقات حاکمه با فقدان یک جنبش انقلابی، امکان پذیر است، فریب

نمی دهند. چنین فریب توده ها، مرقا به معنای باز پیچیده بیلسازی سری حکومت های متخلف قرار گرفتن، تسهیل کردن نقشه های فدا انقلابی آنهاست.

هر کس که یک ملج را بیدار و دمکراتیک می خواهد، باید از جنگ داخلی علیه حکومتها و بورژوازی حمایت کند.

(لنین، سوسیالیسم و جنگ)  
تاکید از صفت

به مناسبت

۲۱ شهریور، دومین سالگرد

از صفحه ۱۱

اعتقاد عمیق رفیق سکو به کمونیسم و رهائی کارگران و زحمتکشان از فیدسم و فشار او را چون کلیه مدافعان آرمان رهائی، دمکراسی و سوسیالیسم سخت گوش و پیگیر ساخته بود. سکو در اثر قابلیت های که در جریان عملی مبارزه از خود نمایان ساخته بود به سطوح فرماندهی دسته ای از پیشمرگان فدائی ارتقاء یافته و در پیشانی عملیات سلاطین می. پیشمرگان فدائی به درجی و مسئولانه وظایف خطیر خویش را با جدیت هر چه تمام تر به انجام می رسانید، تا سرانجام بعد از ۵ سال مبارزه در ۱۱ شهریور در حالی که خود فرماندهی عملیات شهری بوکان را بر عهده داشت، قلب گرمش آماج گلوله جاشهای مزدور قرار گرفت و از تپش باز ایستاد.

بادش گرامی  
و راهش پر مهر و باد!

حزب دمکرات  
کردستان ایران  
۶۳/۶/۲۱

سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران  
۶۳/۶/۲۱

## بیانیه مشترک

از صفحه ۳

تمامی جهانیان بر مانند و بدین وسیله حامیان چنین رژیم ددمشی را در سطح جهانی رسوا نمایند و مانع از آن گردند که رژیم بتواند چنین سیاستی را عملی نموده، بخش وسیعی از مردم زحمتکش کردستان را آواره و بی خانمان نماید.

## رفیق بهزاد شهادتی

از صفحه ۱

رفیق بهزاد شهادتی فرزند  
غیور خلق کرد پیشمرگ جسور  
و متین فدائی در شانگاه ۲۶ شهریور  
ماه طی یک توطئه دردناک به  
شهادت رسید و تمامی همزمان  
خود را در سوگ رفیق از دست رفتای  
فروبرد که در دوران کوتاه زندگی  
خود به بسیاری از صفات برجسته  
یک پیشمرگه دلبر و بی باک  
زبانزد همگان بود.

رفیق بهزاد که در سال ۱۳۴۱ در  
یک خانواده متوسط فرهنگی  
متولد شده و در تمام دوران  
تحصیلی خود به عنوان یک دانش  
آموز با هوش و فعال معروف بود،  
در دوران رشد و اعتلای جنبش  
توده ای در سال ۵۲ به جریان  
مبارزه پیوست و به یکساز  
فعالین مهم جنبش دانش  
آموزی در زادگاه خود شهر سقز  
مبدل گردید، و با سرنگونی رژیم  
پهلوی و در بازگشایی ستادهای  
سازمان در شهرهای سراسر ایران  
جرا و اولین کسانی بود که تحت  
مسئولیت رفقا یوسف گشتی زاده  
و یعقوب تقدیری ستاد سازمان  
در شهر سقز را بنیان گذاشتند  
و جزو اولین گروه از رفقای بود  
که در شهر سقز دوره آموزش نظامی  
دیده و مسلح شدند.

رفیق بهزاد، در دوران جنگ  
سه ماهه نخستین آموزش سرسری  
رژیم به کردستان انقلابی  
در سال ۵۸ قهرمانانه در جنگ  
شرکت جست و کمک های شایسته  
توجهی را در پشت جبهه  
سازماندهی نمود. و بعد از تصرف  
شهرها توسط رژیم جمعیوی  
اسلامی، به مسئولیت تدارکاتی  
انتخاب گردید و تهیه امکانات  
و انتقال آن به رفقای پیشمرگ  
را برعهده گرفت که در طول این  
دوره علاوه بر مجموعه فعالیتهای  
خود بیش از ده مورد خودروهای  
دشمن را مصادره کرد و به  
پیشمرگان سازمان تحویل داد.

رفیق بهزاد بعد از شکست  
رژیم در جنگ سه ماهه و تسخیر  
شهرها توسط پیشمرگان خلق  
کرد، در کمپنه دهفانی شهرستان  
سقز به فعالیت خود ادامه داده و به

عنوان یک انقلابی حرفه ای تمامی  
وقت خود را وقف فعالیت های  
تشکیلاتی نمود و برای همیشه  
با وجود سن کم خود دست از تحصیل  
و مدرسه برداشته به صفوف  
رزمندگان خستگی ناپذیر تمام  
وقت سازمان پیوست.

رفیق بهزاد بعد از حمله مجدد  
رژیم به کردستان علاوه بر آن که  
به عنوان یک پیشمرگه جسور به  
جنگ با رژیم برخاست در عین حال  
مسئولیت تأمین تدارکاتی  
نظامی و غیرنظامی پیشمرگان  
درگیر در جنگ را نیز برعهده  
گرفت و بسیاری اوقات برای  
رساندن تدارکات لازم و گذشتن  
از صفوف دشمن مجبور بود صفوف  
مزدوران رژیم را شکافته و  
از میان آتش آنها بگذرد تا  
ما به حاج نظامی و غذای  
پیشمرگانی را که از آرمغان  
انقلابی خلق کرد دفاع می کردند  
به آنها برساند.

بهزاد بعد از تصرف دوباره  
شهرها توسط رژیم، به عنوان یک  
پیشمرگه جو و وارد صفوف  
پیشمرگان فدائی گشت و زندگی  
مبارزاتی نوینی را که تنها  
لحظه شهادت ادامه داشته آغاز  
کرد. او در این دوره از فعالیت  
مبارزاتی خود کارآیی بسیار  
توانستایی های بسیار بالایی  
از خود نشان داد و در مدت بسیار  
کمی به عنوان یک چهره شناخته  
شده در میان پیشمرگان فدائی  
درآمد. او طی این دوره در بسیاری  
از عملیات های سازمان شرکت  
جست و در اکثر آنها در صفوف مقدم  
حمله قرار داشت و در جنگهای  
دارالین بانه، جونیان سقز،  
دارالک مهاباد، جنگ با غلوجه،  
بنده کندی بوکان که به نابودی  
گروه ضربت رژیم انجام میداد  
نیز در عملیات های داخل شهرهای  
سقز، بوکان و مهاباد... شرکت  
فعال نمود و با دقایق مانده های  
او در تمام این جنگ هرگز  
فراموش نگشته و همچون خاطره  
تابناکی در ذهن تمامی

پیشمرگان فدائی خواهد درخشید.  
رفیق بهزاد در دوران نشاط  
خانانه اکثریتی های رفرمیست  
یک لحظه تردید به خود راه نداد  
و خط وشی انقلابی سازمان  
را انتخاب نموده و به دفاع طعانه  
از آن برخاست و جزو اولین کسانی  
بود که به همراه رفیق اسکندر،  
ستاد سازمان در بوکان را پایه  
گذاری نمودند و با شرکت خود در

جنگهایی که در بالا از آنها نام  
بردیم سازمان را در جنبش خلق  
کرد زنده نگاه داشتند.

او به عنوان یکی از مدافعان  
خط وشی اصولی سازمان در میان  
رفقای خود شهرت داشت و به پاس  
این غصوبت برجسته و فعالیت  
های بی شائبه ای که از خود نشان  
داده بود در سال ۶۱ به گانه پیدا  
- ثوری عضویت سازمان درآمد  
و به عضویت شورای فرماندهی  
پیشمرگان و فرماندهی یک دسته  
از پیشمرگان فدائی ارتقا یافت.

رفیق بهزاد با استواری تمام  
در مقابل جریان لیبرالی حاکم  
بر شاخه، در دوران مسئولیتش  
با مع، که اینک به زاده بسی  
مقدار مجاهدین خلق تبدیل  
شده است، با استادگی نمود و با طعانه  
به مبارزه با آن برخاست و از خط  
وشی اصولی سازمان بکار دیگر  
با تمامی وجود خود مدافعه نمود.

رفیق بهزاد اگر چه بعد از  
تحولات در شاخه کردستان سازمان،  
تنها بدلائلی، مفوف سازمان را  
برای مدتی ترک نمود و در این  
مدت نیز بنا به اعتقاد عمیق  
خود به مبارزه با خط وشی  
مفوف پیشمرگان حزب دمکرات  
کردستان ایران به فعالیت خود  
ادامه داد و با برخورد های خود  
در میان آنها نیز محبوبیت بی  
نظیری کسب نمود، اما با شروع  
واحسان و ابستگی هر چه پیشتر  
مجدداً به مفوف سازمان خود برگشت  
بهزاد چه در دورانی که موقتاً دور از  
سازمان بود و چه از همان موقعی که  
دوباره با استحکام هر چه  
بیشتری به مفوف سازمان برگشت  
هیچ گاه به پرنسپ های انقلابی و  
کمونیستی خود را از دست نداد.

رفیق بهزاد در شرایطی که  
شهادت رسید که هنوز می پیدان  
گسترده ای از فعالیت و رهبری  
داشت و هنوز فرصت های زیادی  
برای رشد و شکوفایی استعداد های  
خود، در راه مبارزه برای رهایی  
کارگران و زحمتکشان پیشا روی  
خود داشت.

با دوراه رفیق بهزاد فرزند  
جسور و دلیر خلق کرد، مبارز راه  
رهاشی، دمکراسی و سوسیالیسم و  
پیشمرگ قهرمان فدائی همیشه  
زنده خواهد ماند و اسلحه او در  
دستهای بر توان مبارزان و  
با غیور گیارهای خود، قلب سپاه  
دشمنان کارگران و زحمتکشان  
را که بهزاد در راه رهایی آنان  
جان خود را باخت، خواهد شکافت.

گذارده است .  
عملیات میں گذارده میسر  
تردد مزدوران و مسیریت و آمدن  
بایگامها ، انهدام بسیار از خودروهای  
مزدوران و کشتن سرنشینان آنها  
امنیت را حتی در جاده های تحت  
کنترل رژیم برهم زده و بایگامها  
را به حصار خونناکی برای آنان  
مبدل ساخته است .

عملیات قهرمانانه  
پیشمرگان نشانگر این واقعیت  
است که مزدوران رژیم لحظه ای  
از زیر آتش ضربات فرزندان دلیر  
خلق کرد در امان نیستند . این  
حرکات تعرضی و وسیع در کردستان  
مهر بطلانی بر دعاوی مدافعان  
و پیوج رژیم میکوبد و انضکاس  
اخبار آن در بین توده های سراسر  
ایران و جهان برده از تبلیغات  
ریاکاران آنها بر میدارد . جدول  
زیر بیان عملیات یکم ماهه  
پیشمرگان را نشان میدهد .

— آمار این جدول عمدتاً از اخبار  
رادیوهای حزب دمکرات و کوبه که  
بر گرفته شده است .

۲۲ مرداد ماه تا ۲۷ شهریور ماه



### غنائم بدست آمده

|      |                            |
|------|----------------------------|
| ۱۲۵  | جنگ اغزار انفرادی          |
| ۷۳۶  | انواع نارنجک               |
| ۵    | بیسم                       |
| ۳۴۰۴ | انواع فشنگ                 |
| ۵۲   | گلوله آر پی بی             |
| ۹    | جنگ افزاسنگین و نیمه سنگین |
| ۶۷   | گلوله سنگین و نیمه سنگین   |
| ۷۱۳  | بیوسن فریب خوردگان         |

### خلفی کردن پیشرو و اوست

\* \* \*

نگاهی

به عملیات یک ماهه پیشمرگان  
از سفید

است و فریاتی که بر آنها وارد  
آمده ، بخش وسیعی از امکانات  
تدارکات و تسلیحاتی مزدوران  
منهدم شده است . در عملیات  
تسخیر برق آسای بایگام "قلندر"  
در روز ۶/۱۰/۶۳ ، ۲۸ تن از  
مزدوران با سارت پیشمرگان  
درآمده ، ۴۰ تن دیگر به لگت رسیده  
و قنایم و ادوات جنگی زیادی  
بدست پیشمرگان افتاد . در این  
رشته عملیات ، تسخیر این  
بایگام در منطقه بوکان ،  
پروچستی با رزیدارد .

حمله به مراکز رژیم  
در نهادهای ، مهاباد ، درتا ، ریخ  
۳ و ۱۴/۶/۶۳ ، نفوذ به درون شهر  
سفر ، بوکان (درتا) ، ریخ  
۱۱ و ۶/۶/۶۳ ، و سرقت و عملیات  
در شهرهای سفر ، پاوه ، پتیرا ، تسخیر  
اشوبه و ارومیه (در ۲۸ مرداد ماه)  
که در داخل این شهر چندین مرکز  
مهم رژیم و از جمله محل سکونت  
آخوند جانا پتکار و سر تاج "ملاسنی"  
معروف بزرگ آتش گرفته شد و  
مدامات مالی و چاشی فراوانی به  
مزدوران وارد آمد ، بخش دیگری  
از رشادت پیشمرگان را به نمایش

در ماه گذشته طی ده عملیات  
نفا می توسط پیشمرگان دلیر  
کردستان در سریع ترین حملات به  
بایگامهای دشمن ، یورش به  
فراکوز و ارگانهای رژیم در  
شهرهای کردستان ، تعرض متقابل  
در برابر تهاجمات رژیم به مناطق  
و روستاهای غیر اشغالی و عملیات  
کمین و کنترل جاده های محسوری  
نیمه ها بیش از ۱۶۲ تن از مزدوران  
رژیم (از تش ، سپاه ، بسیج  
جاشا) کشته و زخمی شده اند .  
در بین آنها دهها تن از  
فرماندهان ضد خلقی بایگامها  
و جاشای مزدور که طی ۵ سال  
گذشته در کردستان از هیچ کوشه  
ت و وحشیگری دریغ  
نورزده اند بچشم میخورد .

دو نفا می یورشهای رژیم به  
مناطق و محسورات حمله روستا  
های سردشت ، روستاهای  
مهاباد ، سرشاخان ، نقه شده  
روستاهای دیواندره ، سنندج  
و بیجار عمده ترین ضربات به  
آنان وارد آمده است . در برخی  
از حملات رژیم علیه پیشمرگ  
تلفات سنگین ناچار به عقب  
نشینی گشته و شکست و نا کامی  
خود را با به توپ بستن روستاها  
تلافی نموده است که در اکثر آن  
تعدادی اراغالی میدان باغ  
روستاها شهادت رسیده اند و  
خسارات مالی فراوانی به  
زحمتگان روستاها وارد آمده  
است .

در بین سلسله حملاتی که  
گامهای دشمن مورت گرفته

### عملیات پیشمرگه

|     |                             |
|-----|-----------------------------|
| ۵۵  | اکمین و کنترل جاده          |
| ۴۵  | مین گذاری                   |
| ۵۲  | مقابله در برابر یورش رژیم   |
| ۱۶  | حمله به مراکز رژیم در شهرها |
| ۱   | خلع سلاح بایگام             |
| ۱۲  | مصادره و انهدام تاسیسات     |
| ۵۶  | حمله به بایگامها            |
| ۲۲۷ | جمع                         |

### تلفات دشمن

|                                 |                           |
|---------------------------------|---------------------------|
| ۱۱۶۲                            | کشته و زخمی               |
| ۲۸                              | اسرای دشمن                |
| ۸۸                              | خودرو منهدم یا معادله شده |
| ۱                               | ملاحبای منهدم شده         |
| مهمات منهدم شده یک تیپ ۳۶ صندوق |                           |

|    |               |
|----|---------------|
| ۶۱ | شهادت پیشمرگه |
| ۳۲ | اهالی بی دفاع |

سردار و توفیق بیرونده و شورشیگرانه ی گدلی کورد

# برخی ملاحظات

درباب يك "رسمان" قدیمی

طوهای تلخ مجاهدین

به نقل از شماره ۲۴  
نشریه دانشجویان هواداران  
سازمان چریک‌های فدائی خلق  
ایران در خارج از کشور

نشریه مجاهد در شماره ۳۶،  
مورخ ۱ شهریور ۱۳۶۳ اطلاعیه‌ای  
را تحت عنوان "در رابطه با دعاوی  
خدا انقلابی جریان اقلیت است"  
در زمینه تثبیت رژیم پومیسده  
خمینی و مواضع اپورتونیستی  
این گروه در قبال شخصیت  
استراتژیک "ملح" با امضاء  
"اتحادیه انجمنهای دانشجویان  
مسلمان خارج از کشور" به چاپ  
رسانده است. اینکه سازمانهای  
سیاسی مختلف بر سر مسائل مطروحه  
در سطح جنبش انقلابی ایران  
اختلاف نظر دارند و هر کدام بر اساس  
سیستم فکری و روش خاص خود  
حول آن به مبارزه سیاسی و پیا  
پی بدلولوژیک دست می‌زنند، امری  
کاملاً طبیعی است ولی در اطلاعیه  
فوق یک نکته حائز اهمیت و درخور  
در صفحه



## به یاد خاطره صمد آموزگار جاودان انقلاب

ایران از دست رفت و جایگاهی  
را که او خود بازگشوده بود  
و تا به امروز نیز کسی را یارانی  
پای نهادن بر آن نبوده است،  
خالی گذاشت.  
با فقدان ناباورانه صمد  
انبوهی از درد و رنج نه تنها بر  
یاران او و آشنایانی که او را پیوسته  
می‌شناختند و با سیر بر تحرک و خلاق  
آثار او را دنبال کرده بودند،  
فراگرفت، بلکه بسیاری از  
کسانی که نیز در ماتم و سوگ او فرو  
برد که زمینه تفکر صمد در دنیا نشی  
میان او و آشنایان می‌انداخت  
صمد را و محبوبیت اجتماعی خود  
از دست رفت. اما این مسرگ  
نابینگام نه تنها از محبوبیت  
او در میان اقشار مختلف اجتماعی  
نگاشت بلکه نام و در صفحه ۱۴

۱ شهریور ماه معادف با  
شهادت جبران ناپذیر صمد  
بهرنگی نام آشنای جنبش  
انقلابی ایران است. قلب بزرگ  
صمد در چنین روزی و در بیکاری از  
سیاه‌ترین دوران حیات اجتماعی  
ایران در آبهای کف آلود و سرکش  
آرشی از تیش باز است و ادبیات  
انقلابی ایران و نسل عیانی  
جامعه را که می‌رفت ارزشهای  
یومنی را که صمد یکی از پایه‌ها  
گذاران اصلی آن بوده،  
بیا فریند، با خیران عظیمی  
روبرو ساخت. سوگ صمد چون  
بهشتی بر بیکر نورس نهالی  
که میرفت شکوفه کند، نبود  
آمد و صمد در اوج خلاقیت خود  
و در آستانه بنیان حرکت  
پویانده و نوین جنبش کمونیستی

## جلوه‌ای از عجز و بونی رژیم فرو گردشنان

در صفحه ۱۳

به مناسبت

۲۱ شهریور، دومین سالگرد شهادت بهشتی فدائی وفق سکو



۲۱ شهریور ماه معادف با  
دومین سالگرد شهادت رفیق  
رشید پیردان پناه (سکو) یکی  
از بهشتی‌ها و صورت‌فدائی  
فرزند راستین خلق کرد، یکی از  
فعالین بر تحرک سازمان بود.  
او در طی مبارزه انقلابی نمونه  
با رز و کیم صداقت کمونیستی بود  
و در فداکاری و جدیتش همواره سر  
- منق رفقای خود بود.

در صفحه ۱۵

## گرامی باد یاد شهدای شهریور ماه

- مطفی شمس‌الدینی شهریور ۵۹
- بژن خنسی ۶۱
- قاسم معروفسی ۵۸
- ابوبکر آرمان ۵۸
- حواد کارنی ۶۰
- عبده کریمان ۶۲
- طهورت اکبری ۵۸
- حیل بخجالی ۵۸
- شهریار و احسان ۵۸
- ناصر طیمسی ۵۸

هرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق